



انترناسیونال ۴۷۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



www.m-hekmat.com منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۹ آبان ۱۳۹۱، ۹ نوامبر ۲۰۱۲ - ۱۶ صفحه

انتخاب بین بد و بدتر!

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی در مورد انتخابات آمریکا

پست باشد. ولی با این حال این انتخابات از چند نقطه نظر ویژه است و واقعیات جالبی را در مورد فضای سیاسی در جامعه آمریکا

حمید تقوایی:
معمولا رئیس جمهورها در آمریکا تجدید انتخاب میشوند و کم اتفاق افتاده است که رئیس جمهوری فقط برای یک دوره در این

سیما بهاری:
انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برگزار شد و اوپاما برنده انتخابات شد. نظر شما در مورد انتخاب مجدد اوپاما چیست؟

ادامه صفحه ۲

پرسش هایی متفاوت در سکوت بازار مسگرها



بهروز مهرآبادی

حذف سوسیدها برایشان امری واجب و بدنبال آن چند برابر شدن هزینه زندگی مردم، قابل پیش بینی و نتیجه مستقیم سیاست های رژیم بوده است. از قبل برای آن تدارک دیده اند، برنامه ریزی کرده اند و لشگریان اسلام را زره پوشیده و تا دندان مسلح در هر میدان و بر سر هر خیابان و کوچه مستقر کرده اند، تا هر صدای اعتراضی را خفه کنند. رهبر، دولت و مجلس به همراه فرماندهان سپاه و خیل امام جمعه ها و آخوند ها همه در آزاد گذاشتن قیمت ارز، حذف سوسیدها و تنگ کردن حلقه ها برگردن نحیف مردم همراه و همدستان هستند. هیچکدام در

در مجلس اسلامی کشمکش بر سر طرح سوال از رئیس جمهور بالا ادامه دارد. موضوع سوال یعنی "نابسامانی بازار ارز" سرعت کهنه شده است. در هیچ کجای نظام اسلامی "سامانی" نیست. این را خود بهتر از هرکسی می دانند و به آن معترفند. بالا رفتن قیمت ارز،

ادامه صفحه ۷

مبارزه علیه تبعیض جنسیتی یک عرصه مهم اعتراض در دانشگاه

امنیتی کردن فضای آنست. برای اینکه رژیم اسلامی از دانشگاهها که همواره سنگر اعتراض برای آزادی و برابری در سطح جامعه بوده است، وحشت دارد.

دانشگاه و ۳۶ رشته تحصیلی ملغی اعلام نمود. در همین راستا و در جهت اسلامی کردن دانشگاهها طرحهای جداسازی جنسیتی و حجاب اجباری شدت یافت. روشن است که همه این تلاش ها برای اعمال کنترل بیشتر بر دانشگاهها و

شهلا دانشفر
تبعیض جنسیتی یک موضوع مهم اعتراض دانشجویان در دانشگاههاست. رژیم اسلامی در فاصله تعطیلات تابستان از فرصت نبودن دانشجویان، استفاده کرد و پذیرش دانشجویان دختر را در ۷۷

ادامه صفحه ۴

قهرمان من ، مریم نمازی

از نزدیک تجربه میکنم. "شور و حاساس برای آزادی" بخشی از برنامه های نهاد "یک قانون برابر برای همه" است که مریم نمازی سخنگو سازمنده آن است.

نامد: قهرمان من مریم نمازی!
برای چند مصاحبه تلویزیونی در لندن هستم و این فرصت را پیدا میکنم که در چهارمین نمایشگاه تلاش در دفاع از آزادی بیان و یا شور و شوق برای آزادی بیان شرکت کنم. این چهارمین برنامه از این نوع است و من برای اولین بار آنرا

مینا احدی
در مرکز شهر لندن در یک سالن نه چندان بزرگ که مملو از تماشاگر است، مجری برنامه وقتی مریم نمازی چهره سرشناس مبارزه برای آزادی بیان را برای سخنرانی دعوت میکند، او را چنین می

ادامه صفحه ۹

صفحات دیگر

جنگ جناحهای رژیم اسلامی

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با محمد آسنگران

حمله اخوان المسلمین و قوانین اسلامی به حقوق زنان مصر

فاضل نادری

اروپای چهاردهم نوامبر!

شهاب بهرامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

انتخاب بین بد و بدتر!



حمید تقوایی

از صفحه ۱

بیان میکند. نکته اول اینست که اوپاما هیچیک از وعده هائی که داده بود عملی نکرد و روشن هم بود که مثل تبلیغات انتخاباتی همه احزاب پارلمانی در کشورهای غربی، اینها "وعده های انتخاباتی" است یعنی قولهایی است که عملی نمیشود! از آن تغییراتی که اوپاما صحبتش را میکرده نه تنها خبری نشد بلکه زدن از بودجه های خدمات عمومی و کمکهای میلیاردی به کمپانیها و بانکها و غیره سیاست اوپاما بود که سیاست حزب جمهوریخواه هم اگر بقدرت میرسید، اساسا همین میبود. بنابراین انتخاب مجدد اوپاما به این معنی نیست که مردم از وضعیت راضی هستند و یا اوپاما به قولها و وعده هایش در مورد "تغییر" عمل کرده است. تجدید انتخاب اوپاما فقط نشانه آنستکه مردم بین "بد" و "بدتر" به "بد" رضایت داده اند. میت رامنی رقیب اوپاما از حزب جمهوریخواه همان خط بوش و محافظه کاران حاکم در دوره بوش را نمایندگی میکرد و مردم علیرغم تمام مسائل و مشکلاتی که دارند و خیر زیادی از اوپاما ندیده اند بالاخره او را به میت رامنی شبه بوش ترجیح دادند. ترجیح دادند اوپاما بماند ولی برنگردند به همان فلسفه سیاسی و خط نوکنسرواتیستی که امروز میت رامنی نمایندگی میکند. به نظر من این انتخابات از این لحاظ نشاندهنده به چپ

آنها وجود دارد؟ مشکل واقعی چیست؟

حمید تقوایی:

به نظر من هیچکدام راه حلی ندارند. در تبلیغات انتخاباتی حرفی میزنند ولی بطور واقعی همه احزاب و سیاستمداران در آمریکا میدانند که بحران اقتصادی عمیقی یقه شان را گرفته است و تا وقتی این نظام سیستم سرمایه داری هست مساله همین است. مساله بحران هم تنها به آمریکا محدود نیست. تمام اروپای واحد با بحران دست به گریبان است و کشورهایی مثل اسپانیا و یونان مدتهاست این مساله حاد را دارند و در آستانه ورشکستگی قرار گرفته اند. در آمریکا هم نرخ بیکاری بالا و کم سابقه ای وجود دارد و از هر نظر شاخص ها نشان میدهد بحران مزمنی در آمریکا هست و مردم بخصوص کارگران تحت فشارند. این خیلی روشن است. "راه حلی" که این احزاب مدعی هستند در واقع راهی است برای سود آور کردن مجدد سرمایه ها و حل بحران در جهت تامین منافع سرمایه دارها. تفاوتی که بین احزاب حکومتی هست ظاهری است. در مورد بحران و مسائل اقتصادی میتوانم بگویم حتی همین تفاوت ظاهری - که در عرصه های دیگر میبینیم - هم وجود ندارد. سیاستی که اوپاما پیش برد یعنی کمک به سرمایه های بزرگ مثل بانکها، جنرال موتورز و صنایع اتومبیل سازی، صنعت مسکن و شرکتهای بزرگ خانه سازی و نجات دادن آنها با کمک اوراق قرضه دولتی و از محل مالیاتهای اخذ شده از مردم، خط و سیاست همه احزاب حاکم در همه دنیا است. همین الان در اروپای واحد و یونان و غیره هم همین سیاست در حال اجرا است. و یا سیاست سفت کردن کمربندها و ریاضت اقتصادی و زدن از خدمات اجتماعی و غیره هم سیاست همه احزاب حاکم در آمریکا و در همه

جای دنیاست. تنها تفاوت در اینست که وقتی حزب دموکرات حاکم میشود این سیاست را در لباس دیگری میپوشاند و با یک نوع تبلیغتی دیگری بخورد مردم میدهد و وقتی حزب جمهوریخواه سر کار می آید با یک زبان و تبلیغات دیگری همین کار را میکند. از نظر محتوا و مضمون فرقی وجود ندارد. همین واقعیت را امروز در جامعه فرانسه می بینید. سارکوزی و حزب راست افراطی فرانسه کنار رفت و حزب باصلاح "سوسیالیست" روی کار آمد ولی از نظر اقتصادی مردم تغییری در زندگیشان نمی بینند. بالاخره حکم اقتصادی جامعه سرمایه داری در شرایط بحران همین است که همه به پیش میبرند: ریاضت کشی مردم، زدن از خدمات اجتماعی، کمک به سرمایه های بزرگ در حال ورشکستگی و از این نوع اقدامات. بنابر این تمایز میان سیاستهای اقتصادی احزاب دموکرات و جمهوریخواه را باید بحساب تبلیغات انتخاباتی گذاشت. از نظر واقعی و عملی اهداف و سیاست آنها فرقی ندارد.

سیما بهاری:

اوپاما در اولین سخنرانی خود بعد از پیروزی از عظمت دموکراسی صحبت کرد. آیا واقعا این انتخابات و کلا انتخابات در آمریکا تجلی دموکراسی است به این معنی که رای و خواست و مطالبات مردم در نظر گرفته میشود؟

حمید تقوایی:

بله اوپاما از عظمت دموکراسی صحبت کرد ولی به نظر من بطور واقعی انتخابات نماینده عظمت سرمایه ها و پولهای میلیاردی بود که این احزاب صرف تبلیغات انتخاباتی کردند. این یکی از گرانترین و پرهزینه ترین انتخابات آمریکا بود از جانب هر دو حزب. اسپانوسورها و کمپانیهای عظیم مبالغ هنگفتی صرف تبلیغات و فعالیتهای انتخاباتی

کردند. (رقم اعلام شده بیش از ۶ میلیارد دلار است). انتخابات از این نقطه نظر عظیم بود و این یعنی مغزشویی هر چه بیشتر مردم. این یعنی تبلیغات و برگزاری یک شو. بخصوص در آمریکا همیشه انتخابات به شکل یک شو و نمایش بزرگ در جامعه برگزار میشود. در تبلیغات و مناظره های تلویزیونی انتخاباتی حتی بگفته مفسرین خودشان فرق چندانی در سیاستها اقتصادی و سیاست خارجی دیده نمیشد با این همه مبالغ هنگفتی خرج شد تا با مغزشویی و ترفندهای تبلیغاتی هرکس برای خودش رای جمع کند.

نکته دیگر اینکه حتی اگر چنین تبلیغاتی هم نمیشد مساله فرق چندانی نمیکرد. بالاخره در آمریکا تنها دو حزب حکومتی وجود دارد. جالب است که در حمله به کشورهای نوع بلوک شرق سابق - بقول خودشان کشورهای "توتالیتر" - آنها را نظامهای تک حزبی مینامند، اما خودشان عملا تفاوت ماهوی ندارند. فرق آمریکا تنها در اینست که نظام دو حزبی است. عملا غیر ممکن است کاندیدای یک حزب سیاسی سومی - چه برسد به یک کاندیدی مستقل - بتواند در آمریکا رئیس جمهور بشود. این را همه میدانند. انتخابات در آمریکا خودش یک نوع صنعت است. یک کمپین عظیم مالی است که امکان ندارد غیر از این دو حزب کس دیگری بتواند روی کار بیاید و سیاست این دو حزب را هم که مقایسه میکنید - بخصوص امروز و در رابطه با بحران اقتصادی - میبینید ۹۹ درصد عین هم است. به این معنی عملا همان نظام تک حزبی است. تنها تبلیغات و مغزشوییها چیز دیگری است. دو حزب حکومتی دارید که در چارچوب نظام سرمایه داری و در خدمت حفظ منافع یک درصدیها کار میکنند، تفاوتی از اساسی با هم ندارند و در خیلی از

جنگ جناحهای رژیم اسلامی

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با محمد آسنگران



کانال جدید:

جنگ جناحهای رژیم اسلامی که اخیراً با نامه نگاری احمدی نژاد و رئیس قوه قضائیه شدت بیشتری گرفته است توجه ها را به خود جلب کرده است. اختلاف اینبار بر سر چیست؟ محمد آسنگران:

تا جایی که به اختلافات اخیر برمیگردد رئیس جمهور اسلامی خواسته است از زندان اوین بازدید کند و رئیس قوه قضائیه به او اجازه نمیدهد. این عجیب ترین مسئله ای است که در یک مملکت میتواند اتفاق بیفتد. میتوان گفت این استثنایی در تاریخ است که فقط جمهوری اسلامی میتواند چنین باشد. رئیس جمهوری که رهبر جمهوری اسلامی خودش او را از صندوق بیرون آورده است و در مراحل مختلف از او دفاع کرده است و مردم را به دلیل اعتراض شان به انتخاب او سرکوب کرده است، اکنون به همان رئیس جمهور اجازه بازدید از زندان را نمیدهند. شدت حمله و ادبیات بکار رفته در این نامه ها چنان تند بوده که رهبر جمهوری اسلامی (خامنیه ای) که خودش همه این مقامات را دست چین و تعیین کرده است اکنون

ناچار شده است به آنها تذکر بدهد که فتیله ها را پایین بکشند.

اگرچه این چندمین بار است که خامنه ای خواسته است آنها را آرام کند اما این بار لحنش را تندتر کرده و گفته است کسی که این مباحث و اختلافات را علنی کند "خیانت" کرده است. علیرغم تذکر رهبر جمهوری اسلامی مبنی بر همکاری و اتحاد قوای سه گانه، جناحهای درگیر بر شدت حملاتشان علیه یکدیگر افزوده اند. زیرا خود خامنه ای از یک طرف آتش را روشن میکند و از طرف دیگر میخواهد مریدان خود را آرام کند و از آنها میخواهد که آتش را خاموش کنند.

نکته مهم در این جدال این است که خامنه ای نمیخواهد آنرا تمام کند و میخواهد این جدالها در جلو چشم جامعه اتفاق نیفتد. با این حال جمهوری اسلامی با این نوع جدالها زندگی کرده است و هر دوره یکی از جناحها، جناح مقابلش را به چالش طلبیده است. این جدالها در تاریخ جمهوری اسلامی همیشه وجود داشته است و همیشه جناح ضد آمریکایی و حزب الهی هم دست بالا پیدا کرده است. این بار هم نهایتاً یکی از این جناحها دست بالا پیدا میکند. با این حال تفاوت این است که جدال این بار در میان خود حزب الهی ها است و میتواند جمهوری اسلامی را با مشکلات بیشتری مواجه کند.

زیرا اختلاف اینها این بار بر سر منفعتهای گنده و قدرت حکومتی است. هیچکدام سیاست و افق متفاوتی را دنبال نمیکند.

بنابر این مسئله این نیست که اگر احمدی نژاد از اوین بازدید کند اتفاقی می افتد یا نمی افتد، مسئله به سادگی این است که هر کدام دنبال اسناد و مدارکی هستند که طرف مقابل را افشا کنند و موقعیتش را ضعیف کنند.

کانال جدید:

ابعاد این اختلافات چگونه است و این اختلافات به کجا رسیده است آیا اختلافات در همین محدوده نامه نگاری احمدی نژاد و رئیس قوه قضائیه است؟ محمد آسنگران:

نه اختلافات اینها پایه ای تر و جدی تر است. همچنانکه گفتم اختلاف اینها بر سر دسترسی به منابع مالی میلیاردری است. قدرت بیشتر و اعمال تسلط بر دستگاههای حکومتی هم اکنون مورد اختلاف است. هر کدام قدرت بیشتر را برای این میخواهند که به همان منابع مالی دسترسی و تسلط پیدا کنند. همچنانکه میبینیم هر روز یکی از این جناحها طرف مقابل را به دزدیهای میلیاردری متهم میکند و اسنادی در این رابطه افشا میشود. طرفین تا کنون مقامات حکومتی در سطوح مختلف و از جناح های مختلف را بارها به دزدی و اختلاسهای میلیاردری متهم کرده و هر دو طرف هم درست میگویند. زیرا اسناد آن غیرقابل انکار است.

با این حال در برخورد به همین دزدان هم میتوان فهمید که حکومت اسلامی حامل چگونه عدالتی است. کسی که یک جعبه

شیرینی و یا یک قطعه وسایل الکتریکی کوچک را از مغازه ای برمیدارد دست او را قطع میکنند. اما کسی که میلیارد میلیارد دزدی کرده است سعی میکنند حتی اسمش را هم کامل اعلام نکنند و تلاش میکنند که به نوعی این دزدیها را ماست مالی کنند. و یا چند نفر از مقامات دست چندم را با اسم واقعی یا مستعار قربانی کنند تا دزدهای اصلی همچنان کارشان را بکنند.

به هر حال اختلاف جناحهای مختلف درون جمهوری اسلامی همزاد قدرت گیری و پایه گذاری این رژیم بوده است. اما در هر دوره معنا و مفهوم متفاوتی داشته است. از روزی که خمینی قدرت سیاسی را در ایران قبضه کرد اختلاف جناحهای این رژیم آغاز شد. اختلاف خمینی با کسانی مثل مهدی بازرگان، بنی صدر، شریعتمداری و حزب خلق مسلمان، منتظری و اختلاف خامنه ای با خاتمی و امروز هم احمدی نژاد نمونه های برجسته این اتفاقات هستند.

همه این اختلافها اگر چه بر سر قوانین و سنتهای مذهبی و تفاسیر مختلف از این قوانین و سیاستهای کم و بیش متفاوت بوده است، اما در پشت همه این مسایل یک منفعت سیاسی و اقتصادی پایدارتری وجود داشته است که هیچ وقت قابل حل نبوده و نخواهد بود. این سیستم حکومتی به دلیل تسلط فرهنگ اسلامی و قوانین شریعت اسلامی بر آن، در خود و ماهیتا بحرانزا است. زیرا مراجع مذهبی بر اساس منفعتهشان در هر دوره ای قوانین اسلامیشان را بر اساس منفعت روزشان تفسیر میکنند. به همین دلیل این نوع اختلافات قابل حل نیست. یا بهتر بگویم

برای رسیدن به منافع زمینیشان با شریعت و احادیث مختلف آنرا توجیه میکنند.

اما این بار اختلافات دو جناح اصولگرای جمهوری اسلامی که هرکدام بیشتر از آن یکی خود را نماینده خدا بر زمین میدانند، مستقیم تر و آشکارتر از همیشه از منفعتهای میلیاردی و دزدیهای میلیاردی حرف میزنند. دعوی این دو جناح بالاخره به نفع یکی از آنها تمام میشود. اما ابعاد بحران و ریزش مدافعین جمهوری اسلامی این بار میتواند تاثیرات جدیتری از موارد قبلی داشته باشد. زیرا جناح اصولگرا و حزب الهی جمهوری اسلامی که همیشه علیه جناحهای "منحرف" تا کنون متحد بوده اند و آنها را یکی بعد از دیگری کنار زده اند، این بار خودشان به جان همدیگر افتاده اند.

کانال جدید:

خامنیه ای گفته است دامن زدن به اختلافات خیانت به کشور است، منظور از این حرف چیست؟ محمد آسنگران:

دو معنی میشود از آن برداشت کرد. یکی اینکه به هر دو جناح میگوید که فتیله دعوا ها را پایین بکشید و با آتش بازی نکنید. با زبان آخوندی دارد به آنها میگوید دشمن (مردم معترض و ناراضی) در کمین هستند و کاری نکنید که میدان تعرض آنها به کلیت جمهوری اسلامی را مهیا کنید. از طرف دیگر دارد به احمدی نژاد میگوید نامه های محرمانه را تو علنی کردی و این خطرناک است و آنرا خیانت نامیده است. در عین حال به مجلس هم میگوید احمدی نژاد را بیش از حد تحت فشار قرار ندهید. این سیاستی است که

ادامه صفحه ۸

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

مبارزه علیه تبعیض جنسیتی یک عرصه مهم اعتراض در دانشگاه



شهلا دانشفر

از صفحه ۱

اما بعد از بازگشایی دانشگاهها از همان آغاز مهر ماه زمزمه های اعتراض بلند شد و مبارزه علیه تبعیض جنسیتی و حجاب اجباری به موضوع محوری اعتراضات دانشجویی تبدیل شد. از جمله در همین فاصله یک ماهی که از آغاز سال جدید تحصیلی میگذرد، در دانشگاههای صدا در تهران، پیام نور مریوان، دانشگاه سراسری شیراز در پردیس، دانشگاه آزاد در تویسرکان، دانشگاه ساری، دانشگاه علم و صنعت، در ارتباط با مساله تبعیض جنسیتی و حجاب دانشجویان دست به اعتراض و مبارزه زده اند. یک نمونه آن دانشگاه پیام نور مریوان است که در آن دانشجویان دختر در کلاسهای دانشجویان پسر و دانشجویان پسر در کلاسهای دختران شرکت کردند و به این شکل اعتراض خود را علیه قوانین ارتجاعی اسلامی نشان دادند.

واقعیت اینست که مبارزه علیه تبعیض جنسیتی و حجاب اجباری یک عرصه دایمی اعتراض مردم با رژیم اسلامی در جامعه است و دانشگاه یک مرکز مهم این اعتراضات است. به عبارت روشنتر مبارزات دانشجویان در دانشگاهها به مبارزات هر روزه مردم در خیابان وصل است.

ترس از گسترش این اعتراضات است که این موضوعات را مدتهاست به یکی از موضوعات نزاعهای درونی حکومت تبدیل کرده است. یک نمونه آن اظهار نظر علی عباسپور تهرانی، استاد دانشکده برق دانشگاه دانشگاه شریف و رئیس دو دوره کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با حضور در غرفه خبرآنلاین در نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاریها است. او با اعلام اینکه با تفکیک جنسیتی نمیشود فرهنگ اسلامی را به دانشگاه برد، آشکارا به شکست طرحهایشان اشاره دارد. او مشخصاً نفوذ سکولاریسم را ضعف جمهوری اسلامی میخواند.

رژیم اسلامی از فضای ملتهب جامعه به شدت هراس دارد و ترس از شورش گرسنگان به کابوس هر روزه شان تبدیل شده است. از همین روست که در اظهاراتشان همواره یکدیگر را به همیاری و اینکه نباید موجبات عصبانیت و خشم مردم را فراهم کرد، پند و اندرز میدهند. نمونه اش اظهارات استاندار تهران در همین هفته است.

اینها همه حاکی از موضع ضعف و استیصال حکومت است. در چنین شرایطی میتوان به استقبال اعتراض گسترده علیه طرحهای رژیم برای اسلامی کردن دانشگاهها که یک محور اصلیش اجرای طرح تفکیک جنسیتی است، برخاست.

اخبار چنین اعتراضاتی را باید وسیعاً منتشر کرد. با خبررسانی وسیع دانشجویان در دانشگاههای دیگر را مطلع کرده و کاری کرد که دانشگاههای هر چه بیشتری به این اعتراضات بپیوندند. این اعتراضات را باید سراسری و قدرتمند به جلو برد.

تبعیض جنسیتی در رشته پزشکی
علی عباسپور تهرانی، استاد دانشکده برق دانشگاه شریف در گفتگویی با خبرآنلاین میگوید: "اگر در رشته پزشکی سهمیه بندی جنسیتی نباشد، ۹۰ درصد دختران وارد رشته پزشکی میشوند". ایشان طبعاً از طرفداران پیاده کردن طرح تبعیض جنسیتی در رشته های تحصیلی است. اما در این مورد معین پیشنهادش پذیرش ۵۰ درصد دانشجوی دختر و ۵۰ درصد پسر را دارد، البته حکمت چنین پیشنهادی نیز روشن است. ضمن اینکه تمام تلاشش نشان دادن راهکارهای عملی برای اسلامی کردن دانشگاهها است. پیشنهاد او برای اجرای تبعیض جنسیتی در رشته پزشکی و رسیدن به طرح پذیرش ۵۰ درصدی از هر جنس به روشنی بیانگر دو موضوع مهم است. اول اینکه این گفته علی عباسپور نشان میدهد که چگونه تحت حاکمیت رژیم آپارتاید جنسی و فشارهای هر روزه اش بر روی زنان، باز در چنین ابعاد گسترده ای زنان در سطح جامعه حضور دارند و نقش ایفا میکنند. بطوریکه بقول ایشان اگر محدودیتی در تعداد پذیرش دانشجویان دختر در دانشگاهها نباشد، ۹۰ درصد دختران وارد این رشته خواهند شد و یا بنا بر آمارهای خودشان ۶۰ درصد دانشجویان را دختران تشکیل میدهند. ثانیاً دغدغه ها و نگرانی های عباسپور نیز مثل دیگر مقامات و مسولین حکومت اسلامی است. او در این سخنان امرش اصلاً و ابداً این نیست که استاندار پزشکی در جامعه چگونه باید باشد و بعنوان مثال چقدر به پزشک و کادر درمانی در بیمارستانها و در سطح جامعه نیاز است. بلکه همه دغدغه و فکر او ترکیب جنسیتی پرشکان است تا خدشه ای بر

رعایت شئون اسلامی وارد نگردد. او نگران از اینست که مبادا بالانس جنسیتی در این رشته بصورتی به هم بخورد که در جایی ناگزیر پزشک مردی معالج زن بیماری باشد و یا برعکس زنان پزشک معالج مردان باشند. اینها همه محتوای فکری ذهن بیمار و متحجر او و مقامات و دست اندرکاران حکومت اسلامیست. به عبارت روشنتر پیشنهاد پذیرش ۵۰ درصد دختر و ۵۰ درصد در رشته پزشکی نیز بطور واقعی بخشی از تلاش دایمی این حکومت برای سازمان دادن جامعه ای براساس قوانین ارتجاعی اسلامی و بر اساس جنسیت و جداسازی جنسیتی است. نزاعهای درون حکومت نیز بر سر چنین موضوعاتی اختلاف بر سر چگونگی به اجرا درآوردن طرح اسلامی کردن جامعه است. کل این حکومت را باید با همه طرح ها و قوانینش به زیر کشید.

همایش بی حجابی در گرگان
سر تیر خبری یکی از سایت های رژیم در ۲۸ مهر ماه "همایش بی حجابی در گرگان" بود. بنا بر این خبر همایشی در تالار فخرالدین اسعد گرگان توسط شرکت فراز اندیشان برگزار شد. در این همایش مشتکی از مقامات مختلف مرتجع دولتی از جمله اعضای شورای شهرگران، شهردار، فرماندار و مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان حضور داشتند. اما در این همایش اوضاع آنطور که انتظارش را داشتند و برایش برنامه ریزی کرده بودند به پیش زفت و فضا فضای اعتراض بود. برای همین نیز آنچه که در آنجا اتفاق افتاد به صورت خبری داغ در رسانه های حکومتی انعکاس یافت.

موضوع مهم در این همایش به قول خبرنگاران نشان اولاً حضور زنان "بدحجاب" و "بیحجاب" در این همایش بود. ثانیاً آنجایی هم که از جمعیت خواسته میشد که صلواتی بفرستند تا ثواب آخرت نصیبشان گردد، شرکت کنندگان با کف زدن و هورا فضا را در دست خود داشتند. طبعاً این فقط یک خبر نیست. این فضای امروز جامعه ایران است. این نمونه ای از حضور یک جنبش قدرتمند علیه قوانین ارتجاعی اسلامی و علیه حجاب این پرچم آپارتاید جنسی در ایران است. میخوام بگویم که چنین است که رژیم اسلامی هر روزه به چالش کشیده میشود.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

**I.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden**

حمله اخوان المسلمین و قوانین اسلامی به حقوق زنان مصر



فاضل نادری

در انقلاب مصر زنان و مردان دوش بدوش هم برای رسیدن به دموکراسی و آزادی علیه حسنی مبارک و حکومت مستبد او جنگیدند ولی گروههای اسلامی مرتجع براریکه قدرت سوار شدند. عزا کامل (Azza Kamel) یک فعال مدافع حقوق زنان در کشور مصر میگوید، بخش عظیمی از جامعه بویژه مسلمانان بقدرت رسیده، دست آوردهای مبارزات زنان در انقلاب علیه حسنی مبارک و رژیم دیکتاتور آن را تصاحب کردند.

طبق قانون جدیدی که دولت جدید مصر در چهارم اکتبر سال ۲۰۱۲ بتصویب رساند، مسلمانان بقدرت رسیده، تضییقات فراوانی را در حقوق زنان اعمال کرده اند و قصد دارند جامعه را به صد ها سال عقب بازگردانند. موارد زیر نمونه هایی از حمله به حقوق زنان در مصر است:

بوجود آوردن محدودیتهایی در طلاق و حق حضانت مادری، نداشتن حق وکالت توسط زنان، ختنه دختران و کاهش سن ازدواج دختران از ۱۸ به ۹ سال.

عزا کامل اضافه میکند از هنگامیکه مسلمانان مرتجع براریکه قدرت سوار شده اند، زنان از پستها، مقامات دولتی و رهبری بطور کامل کنار گذاشته شده اند. یک کمیته سیاسی مرکب از ۳۰ نفر که در پروسه انقلاب تشکیل شد تا قانون جاری فعلی را

تصویب کنند، ۲۹ نفر مرد و یک نفر زن بودند. در پروسه رأی و نظر خواهی برای تصویب لوایح مقدماتی و پیشنهادی، برای نوشتن این قانون جدید، حتی یک پیشنهاد از طرف پیشنهاد دهنده زنی پذیرفته نشد. بعد از بقدرت رسیدن این دولت، حتی یک زن بمقام استانداری و فرمانداری انتخاب نشده است. تمام پستهای هیئت دولت را مردان تصرف کرده اند. انتظارات ما برای شرکت در انقلاب خیلی بیشتر از اینها بود ولی حقمان خورده شد. در فقدان مساوات و برابری بین زن و مرد و در سلطه بلا منازع مردان زن ستیز و یک تازی آنان در حکومت و تمام

اجتماع همواره از بسیاری از حقوق محروم بودند. با وجود شرکت فعال زنان در انقلاب مصر و سرنگونی دولت حسنی مبارک، احزاب سیاسی که کنترل اوضاع را بدست گرفتند، از همان ابتدا زن ستیزی خود را به نمایش گذاشتند. در نمایشی توهین آمیز این احزاب توافق کردند که در جریان انتخابات هر کدام میتوانند یک زن در لیست کاندیداهای خود داشته باشند. اما حتی احزاب نسبتاً لیبرال شرکت کننده، اسم یک نفر زن را بنحوی در میان کاندیداهای خود گنجانند که فرد مزبور شانس کسب آراء حد نصاب را نیاورد. خانم عزا کامل میگوید،

موقعیت سیاسی و اجتماعی به آنها، بلکه فریب دادن آنها بوده که بتوانند رأی آنها را تصاحب کنند. این اهداف ارتجاعی و واپسگرایانه توانست بخشی از مردم بویژه زنان را فریب دهد که همیشه در این جامعه چنین بوده است. حتی این رژیم در این مورد از سکف منفور خود گامها عقبتر است. محمد مرسی برای حفظ ظاهر قول داده بود که در صورت روی کار آمدن، یکی از معاونینش زن خواهد بود، اما حتی اینکار را انجام نداد. تمام مشاورین و اطرافیان محمد مرسی را مردان تازه بقدرت رسیده دوران عهد عتیق احاطه کرده اند. فقط دو نفر



از ۳۵ نفر هیئت حاکمه فعلی زن هستند که از رژیم سابق در پستهایشان ابقاء شده اند. آنچه که خانم عزا کامل و زنان آزادیخواه و برابری طلب را بشدت نگران کرده است اینست، کمیته منتخب مأمور نوشتن قوانین و مقررات جدید، همگی مردان زن ستیزی هستند که تلاش میکنند دایره زنان را از دخالت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی دور کرده و موقعیت آنها را به صدها سال قبل برگردانند. گرچه در این قوانین به برابری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی زن و مرد اشاره شده ولی در عین حال تأکید شده است که این مساوات نباید

گروههای سیاسی بویژه جریان اخوان المسلمین برخورد فوق العاده ریاکارانه در قبال زنان داشته اند. یکی از شیوه های فریبکارانه این جریان واپسگرا در تظاهراتها و یورشهای خیابانی این بود که تلاش میکردند، هر چه بیشتر زنان را بخوابانند و بمیان صفوف خود کشانند و از قدرت حضور آنها در مقابل رقبایشان سود استفاده کنند. آنها میخواستند چنین وانمود بکنند که زنان طرفدار روی کار آمدن آنها هستند. ولی بعد از بقدرت رسیدنشان، بخوبی نشان دادند که انگیزه آنها نه دفاع از حقوق زنان و بالابردن مقام و منزلت آنها، نه تفویض قدرت

نهادهای جامعه، هرگز نمیتوان سخنی از دموکراسی بر زبان آورد. این وجه مشخصه و شناسنامه هویتی نظام غیر مترقی و غیر مدرن جامعه فعلی ماست. آنها میکوشند تمام شریانهای جامعه را در دستان خود داشته باشند. ولی علیرغم تمامی این دشواریها، مضایق و محدودیتهای تحمیلی بر ما، زنان در تمام فعالیتهای اجتماعی وجود داشته و نقش دارند.

در سال ۱۹۵۶ زنان توانستند در کشور مصر حق رأی بدست آوردند ولی بسیاری از قوانین اسلامی همچنان در مصر حاکم و نافذ بود و زنان در صحنه سیاست و

مغایر با موازین و اصول شرع باشد که این رسما و عملا شمشیر قوانین ضد زن اسلامی را روی سر زنان نگاه می دارد.

نهاد ابوکسان (Nehad Abu Kosan) رئیس هیئت مدیره "مرکز حقوق زنان مصری" میگوید، استفاده از شرع و شریعت، چماق سرکوبی برفرق زنان است که آنها را مطیع و منقاد و آمربر دولتمردان مردسالار و مرتجع مذهبی، قرارداده و حقوق آنها را محدود نمایند. بعبارت واقعی کلمه شرع، یک انبار مخوف و کاهدان مملو از هجویات است که برای هر امر مورد نیاز این حاکمان قلدر و قداره بند، پاسخ و کاربرد دارد. حتی برای امور و موارد مجهولی که اینک و در حال حاضر بچشم نمیخورد و قابل رؤیت و پیش بینی نیست، بمقتضای نیاز قدرتمندان زن ستیز، از این انبار و گودال لجن زار شرع، قوانینی درمی آید که دایره امکانات زنان را هر چه بیشتر تنگتر و محدودتر میکند.

تازمانیکه مذهب، از هر نوع و قماش آن، بویژه اسلام سیاسی و اسلام آغشته به ناسیونالیسم و یا باصطلاح "اسلام مدرن"، در جوامع نقش حاکم و دخالتگر داشته باشد و با چنگک های مرگبارش در شریانهای حیات بخش جوامع بشری، اعمال قدرت کند، سرنوشت جوامع بشری، روزنه ها و بارقه های امید انسانی را به محاق، تاریکی و سقوط منتهی خواهد کرد. با تمام قوا باید تلاش کرد که دست مذهب را از جوامع بشری کوتاه و قطع کرد. مذهب با مدرنیسم و سکولاریسم و توسعه رو به رشد و رو به ترقی انسان در تضاد است. آزادی و برابری زن و مرد در گرو مبارزه ای پیگیر و رادیکال علیه دخالت مذهب در امور جامعه و سیاست است.*

اروپای چهاردهم نوامبر!



شباب بهرامی

ما دیگر به این بردگی تن نخواهیم داد.

"کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا ETUC در نشست ۱۷ اکتبر خود، روز ۱۴ نوامبر را روز همبستگی و اعتراض علیه سیاست ها و طرح های ریاضت اقتصادی اعلام کرده است. این اتحادیه که ۶۰ میلیون عضو دارد و در ۳۶ کشور در اروپا سازمانهای کارگری را نمایندگی میکند، از کارگران خواسته است به اشکال مختلف از جمله اعتصاب عمومی، تظاهرات، میتینگ و آکسیون دست به اعتراض بزنند. در فراخوان این اتحادیه از سازمانهای تابع خود در سراسر اروپا خواسته شده است که با کارگران در کشورهای جنوبی اروپا که مورد تعرض مستقیم سیاست های ریاضت اقتصادی هستند، اعلام همبستگی کنند." (به نقل از اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب)

روزهای سه شنبه و چهارشنبه‌های هفته، شهرهای بزرگ یونان شاهد تظاهرات و اعتراضات با شکوه مردم معترض و کارگران بود. روز چهارشنبه بیش از نود هزار نفر در اعتراض به سومین بسته ریاضتی دولت در شهر آتن به خیابان ها ریخته و درگیری های شدیدی بین نیروهای ضد شورش و تظاهر کنندگان در اطراف ساختمان پارلمان این کشور وقوع پیوست. در همین روز بسته اقتصادی مذکور به تصویب مجلس رسید، از دیاد سن بازنگشتگی به شصت و هفت سال و کاهش دستمزدها به نصف سطح حقوقهای دو سال پیش از مهمترین مواد این

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا که از دوران "تاچریسم" از اوایل دهه هشتاد میلادی تا به امروز مقهور و شکست خورده، بی افق و بی رمق در پی امرار معاش رؤسای آریستوکرات و اشرافش در کنجی خزیده وبه جای سازماندهی اعتراضات رادیکال کارگران، به چانه زنی ومحللی بین کارگران وکارفرمایان مشغول بود و با اتخاذ سیاستهای بغایت راست و ضد کارگری خود مانعی جدی بر سر راه متشکل شدن و مبارزات کارگران اروپا ایجاد نموده، اینک دو سه سالی است تحت تاثیر تظاهرات و اعتراضات میلیونی مردم و کارگران اروپا و امید برای به کنترل در آوردن رهبری این جنبش، تغییر ریل داده، به منتقد جدی سیاستهای "ترویکا" و نئولیبرالیستها بدل گشته است. "شارون بورو" دبیرکل اتحادیه بین المللی سندیکاهای کارگران و یکی از رهبران "کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا" در نطقی در "فوروم اقتصادی داووس" نظام سرمایه داری را مناسب این قرن ندانسته و گفت "بی عدالتی در دنیای امروز براتب بیشتر از سالهای بحران اقتصادی دهه سی است و

درصد طبقات ممتاز که با ثروت های باد آورده و نجومی در کائنات سیر میکنند، ریخته می شود، نیز دیگر تاریخا ناممکن است. منطق مطلق گرائی بازار آزاد به آخر خط رسیده است. این مدل که عامل اصلی افزایش نجومی دیون دولتی است - دیونی که نه تنها یکی از موانع اصلی رشد و توسعه اقتصادی بوده که منجر به کشیده شدن اکثریت جامعه به فقر وفلاکت شده، مدلی که حتی به نابودی منابع و ذخایر طبیعی و نابودی محیط زیست منجر شده. هر چه سریعتر باید از میان برود. بسیاری از کشورهای اروپائی در مرز ورشکستگی قرار

گرفته اند برای فرار از این بحران برای کارگران و مردم زحمتکش این جوامع نقشه می ریزند و خود را مسلح می کنند. در جواب به چنین شرایطی قرق کردن میلیونی خیابانهای اروپا در چهاردهم نوامبر امری است عاجل و ضروری. اروپای بعد از چهاردهم نوامبر باید و می تواند اروپای بهتری باشد.*

است. در این انحاء روند دیگری از پروسه گردش سرمایه نیز با سرعتی باور نکردنی شکل گرفت. پیدایش و تعرض لجام گسیخته لیبرالیسم افراطی در جهت جهانی شدن تجارت و اقتصاد، خود منجر به تحولی دیگر گشت. مدل غالب "سرمایه داری صنعتی - تجاری" جای خود را به مدل "سرمایه داری لیبرال مالی" داد. "ریسک کاپیتالیستها" ناگهان نه تنها به مشاورین درجه اول "ترویکا" و غولهای بانکی بدل شدند که خود در تعویض وزیران و سیاست گذاری دولتها و حتی تعویض آنها نقشی جدی به عهده گرفته اند.

با پیدایش بحران مالی سال ۲۰۰۷ در آمریکا و سپس اروپا افسانه فسون نئولیبرالیسم با همه تعلقاتش به خاک سپرده شد. اینسکه در کشورهای پیشرفته صنعتی نابرابری در بین طبقات اجتماعی شدیدتر گشته و اکثریت قریب به اتفاق کارکنان این جوامع از نقطه نظر درآمدی به سوی پائین کشیده شده و هست و نیستشان به جیب گشاد چند

بسته اقتصادی است. یونان "لنت خورده ها" بعد از دو روز متلاطم، اینک به استقبال چهاردهم نوامبر می رود!

دور جدیدی از بحران اقتصادی و مالی بی سابقه ای که جهان سرمایه داری را پنج سال پیش در نوردید ضعف ساختار اقتصادی تمامی کشورهای غربی را بیش از پیش نمایان ساخت. به موازات بیکار سازی های میلیونی و به فقر کشیدن میلیونها نفر، این بحران، شتاب تازه ای به روند تخریب ساختارهای صنعتی در بسیاری از کشورهای پیشرفته غربی داد. طبق آمار مؤسسه "فیتچ" تنها طی چهارسال گذشته بیش از هفت هزار سایت صنعتی تعطیل شده و حدود سه میلیون بیکار به ارتش ذخیره پیوسته اند. یک مقایسه ساده آماری از سی سال پیش تا به امروز نشان می دهد، مشاغل مربوط به صنعت و سرویس های صنعتی يك دوم کل مشاغل را در این کشورها تشکیل می داد، این معادله امروز به يك چهارم سقوط کرده

اساس سوسیالیسم انسان است!

در همبستگی با کارگران در اروپا و علیه سیاست های ریاضت اقتصادی در اعتراضات ۱۴ نوامبر شرکت کنیم!

شاخه اروپائی اتحادیه کارگران ETUC در نشست ۱۷ اکتبر خود، روز ۱۴ نوامبر را روز همبستگی و اعتراض علیه سیاست ها و طرح های ریاضت اقتصادی اعلام کرده است. این اتحادیه که ۶۰ میلیون عضو دارد و در ۳۶ کشور در اروپا سازمانهای کارگری را نمایندگی میکند، از کارگران خواسته است به اشکال مختلف از جمله اعتصاب عمومی، تظاهرات، میتینگ و آکسیون دست به اعتراض بزنند. در فراخوان این اتحادیه از سازمانهای تابع خود در سراسر اروپا خواسته شده است که با کارگران در کشورهای جنوبی اروپا که مورد تعرض

مستقیم سیاست های ریاضت اقتصادی هستند، اعلام همبستگی کنند. در پاسخ به این فراخوان تاکنون در کشورهای پرتغال، اسپانیا، یونان و قبرس فراخوان اعتصاب عمومی داده شده و در برخی دیگر از کشورهای اروپائی نیز آکسیونهایی در روز ۱۴ نوامبر سازمان داده شده است. اتحادیههای کارگری در ایتالیا و فرانسه نیز در حال بررسی و تصمیم گیری در مورد اعتصاب عمومی در این روز هستند و در آلمان اتحادیه سراسری کارگران فراخوان به تظاهرات در شهرهای فرانکفورت، برلین و ویسبادن داده است. در کلن، برلین و

دوسلدرف نیز جلساتی برای تصمیم درمورد ۱۴ نوامبر برگزار شده است. نیروهای رادیکال در کشورهای اروپائی و بخش رادیکال اتحادیه ها تلاش میکنند که اعتصاب عمومی را به همه کشورهای اروپائی گسترش دهند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری از این فراخوان حمایت میکند و همه مردم را به مبارزه ای متحدانه علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی فرا میخواند. ما عمیقاً معتقدیم که اگر کارگران و مردم زحمتکش در همه کشورها در اتحادی بین المللی علیه قطع هر روزه مزایا و حقوق رفاهی خود نایستند،

دولتهای سرمایه داری برای حل بحران خود و حفظ سودهای میلیاردی طبقه سرمایه دار، به تعرضات خود همچنان ادامه خواهند داد. دستمزدها، حقوق بازنشستگی، بیمه بیکاری و تامینات اجتماعی اولین جایی است که مورد تعرض قرار میگیرد و میلیونها کارگر را به فقری غیر قابل تحمل خواهد راند.

بحران جاری سرمایه داری یکبار دیگر بر این اصل تاکید کرد که مادام که سرمایه داری مقدرات جامعه را رقم میزند، امنیت اقتصادی و رفاه اجتماعی بطور واقعی ناممکن است. یکبار دیگر مشاهده شد که در پی هر

بحران، سرمایه داران و دولت آنها دستاوردهای طبقه کارگر را مورد حمله قرار میدهند و کارگران و زحمتکشان راهی جز اینکه خود زمام امور جامعه را بدست گیرند، ندارند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری همه انسانهای شریف را فرا میخواند که در همه کشورها دوش به دوش کارگران معترض علیه تعرضات دولتها دست به اعتراض بزنند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۶ نوامبر ۲۰۱۲

پرسش هایی متفاوت در سکوت بازار مسگرها

از صفحه ۱

اصل ماجرا تردیدی ندارد. قرار نیست که همدیگر را قانع کنند. قرار نیست که کسی از قدرت کنار برود و یا کسی متعاقب این پرسش و پاسخ تحت پیگرد قرار بگیرد. تأثیری در "مضحکه انتخابات" پیش رو هم نخواهد داشت. نتیجه آن از هم اکنون معلوم است. آنکه درنده تر باشد، برنده خواهد شد. بشرط آنکه تا آنوقت کل بساط این مضحکه توسط مردم برچیده نشده باشد. اعلام می کنند که پاسخ های رئیس جمهور از هم اکنون معلوم است. از او می خواهند

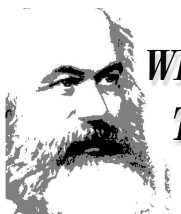
که بیشتر از این نظام را مضحکه خاص و عام نکنند و از مسخره بازی در صحن مجلس پرهیز کنند. "ولی فقیه" خرناس می کشد و از باندهای متخصص می خواهد که از "گریبانگیری و مچ گیری" در مقابل مردم خودداری کنند و تخلف از این امر را "خیانت" می نامد. حداد عادل رئیس فراکسیون اصولگرایان در مجلس خود را کنار می کشد: "نمی خواهیم در بازار مسگرها ما هم تقه ای بزیم و صدا درست کنیم." عده ای از اعضای مجلس امضای خود را از پای سوال از رئیس جمهور برمی دارند. نمی شود وارد این دعوا شد و گوشه

ای از دزدی ها را افشا نکرد. و این مخالف امر رهبری است. اما حرفهای ولی فقیه نامفهوم است و می شود همه جور آن را تعبیر کرد. از طرف دیگر اگر دلچکی مثل احمدی نژاد به راحتی برای "رهبر" شکلک در می آورد، چرا باید خرناس ولی فقیه ساینرین را بترساند؟ طرح سوال هنوز باقی است و سر و صدا در بازار مسگرها ادامه دارد.

اما آنچه که واقعی است و در میان این جنجال و گرد و غبار آن می توان تشخیص داد، انگشت های اتهامی است که به سوی هم گرفته اند. طرف مقابل را متهم می کنند تا خود را بی تقصیر جلوه دهند. نگاه های سرشار از نفرت و انزجار مردم را به خود می بینند. می دانند که

چیزی از حکومتشان نمانده است، می دانند که بزودی در دادگاه های مردمی به محاکمه کشیده خواهند شد، می دانند که در همه جای دنیا منفورند و جایی برای مخفی شدن ندارند، می دانند که باید حساب پس بدهند. می دانند سر و صدای بازار مسگرها خاموش خواهد شد و

آنوقت سوالات متفاوتی در مقابل همه آنها گذاشته خواهد شد و باید در سکوت و در مقابل میلیونها نفر حرف بزنند درباره نقش خود در انجام جنایات بی شمار و غارتگری های بی حساب پاسخ بدهند.*



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

زنده باد سوسیالیسم!

جنگ جناحهای رژیم اسلامی

از صفحه ۳

خامنه‌ای با اعلام آن می‌خواهد دعوا را آرام کند که خودش نتواند آنرا بهتر مدیریت کند.

اما هر دو طرف دعوا و همه مردم هم میدانند که خامنه‌ای نه در راس هر دو جناح که گویا مقلدانش را نصیحت میکند، بلکه خودش در راس یک جناح است. تنها تفاوت این است که نمی‌خواهد هیچ جناحی به رهبری فرد دیگری این دعوا را در بعد علنی هدایت کند. او می‌خواهد خودش سکان پیشبرد این جدال را دور از چشم مردم در دست داشته باشد. برای مثال وقتی که احمدی نژاد وزیر امور خارجه را کنار گذاشت ضربه‌ای به جناح خامنه‌ای بود و بار دوم احمدی نژاد با کنار گذاشتن مصلحی وزیر اطلاعات می‌خواست ضربه دیگر به خامنه‌ای بزند که بی جواب نماند. خامنه‌ای دستور داد مصلحی باید در وزارت اطلاعات بماند و احمدی نژاد یازده روز خانه نشین شد و به نوعی در مقابل ولی نعمت خود دست به تحصن زد. اما راهی بجز کوتاه آمدن نداشت.

اختلافات جناحهای درگیر در جمهوری اسلامی ظاهراً این بار بوسیله برادران لاریجانی با احمدی نژاد بروز کرده است. اما این فقط ظاهر قضیه است. اصل موضوع جدال احمدی نژاد با خامنه‌ای است. به این معنی ابعاد اختلاف رئیس قوه مجریه با رهبر جمهوری اسلامی هیچ وقت تا این حد جدی نبوده است. حتی بنی صدر هم که با خمینی اختلاف پیدا کرد بعد از کنار گذاشتن او و خروجش از ایران به مرور بیان شد. این بار رئیس

جمهور اسلامی که مورد تایید کلیت جناح اصولگرا بود و خود رهبر این بچه لمپن را از صندوق بیرون کشید، اکنون مثل استخوان در گلولی ولی فقیه گیر کرده است. نه میتواند آنرا قورت بدهد و نه میتواند تف کند.

اینکه چرا احمدی نژاد میتواند اینگونه برای رهبر جمهوری اسلامی شاخ و شانه بکشد دلیلش این است که دو طرف اتکایشان به نیروهای نظامی و فرماندهان سپاه و بسیج است. اما احمدی نژاد عمدتاً آن بخش از فرماندهان سپاه و نیروهای امنیتی را با خود دارد که اکنون در مشاغل دولتی قرار گرفته‌اند و خامنه‌ای فرمانده کل قوا است. اگر چه این تفاوت مهمی در تعیین تعادل قوا محسوب میشود اما فرماندهان قبلی سپاه که اکنون تمام وزارتخانه‌ها و استانداریها و فرمانداریها و مقامات دولتی را به خود اختصاص داده‌اند، قدرتشان تنها در این پستها نیست. این طیف از سپاه و نیروهای امنیتی در سالهای گذشته بویژه در دوران احمدی نژاد به منابع مالی دهها و صدها میلیاردی دست رسی پیدا کرده‌اند. نادیده گرفتن و کنار زدنشان کار آسانی نیست. هم به دلیل قدرت مالی و سرمایه‌ای که در دست آنها است و هم به دلیل سابقه فرماندهی و نفوذی که در نیروهای سپاه و وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه باسداران و بسیج... دارند.

کانال جدید:

این اختلافات چه تاثیری میتواند بر روند انتخابات رئیس جمهور اسلامی که چند ماه دیگر قرار است اتفاق بیفتد دارد؟

محمد آسنگران:

برخلاف توصیه خامنه‌ای این نوع افشاگرها بیشتر خواهد شد. بویژه هنگامی که می‌خواهند کاندیداهای ریاست جمهوری اسلامی را تایید و یا رد صلاحیت کنند این موضوع داغتر خواهد شد. معلوم است که مجلس خبرگان که قرار است کاندیداهای اسلامی را از فیلتر رد کند، سعی میکند عمدتاً از مدافعین خامنه‌ای تایید صلاحیت بشوند. اگر بخواهند برای داغ کردن بازار انتخابات کسی از جناح مقابل یا حتی اصلاح طلب را هم تایید صلاحیت کنند، بیشتر یک شو خواهد بود و ربطی به انتخابات ندارد و مثل دوره‌های قبل کسی را که می‌خواهند از صندوق بیرون میکشند. زیرا خامنه‌ای دستش باز است. فرمانده کل قوا است. قوه مقننه و قوه قضائیه هم دستش است و مجلس خبرگان را خودش تعیین کرده است.

احمدی نژاد و جناحش هم تلاش میکنند از هر فرصتی استفاده کنند که جناح خامنه‌ای را افشا کنند و به آنها فشار بیاورند. همین نامه‌ای که احمدی نژاد در جواب نامه خیلی محرمانه رئیس قوه قضائیه علنی منتشر کرد، دست جناح خامنه‌ای را در پوست گردو گذاشت. زیرا اگر از زندان اوین بازدید میکرد بهانه‌ای برای افشاگری علیه جناح مقابل پیدا میکرد. حالا که به او اجازه نداده‌اند از زندان بازدید کن سعی میکنند با مظلوم نمایی در میان نیروهای سپاهی و امنیتی و حواشی رژیم سمپاتی‌هایی برای خود جلب کند.

کانال جدید:

مردم و فعالین در این شرایط چکار باید بکنند بحث شما در این رابطه چیست؟

محمد آسنگران:

طبعاً مردم این دعوها را نگاه میکنند و به هر دو طرف لعنت می‌فرستند. زیرا هر کدام از این جناحها و جناحهای دیگر جمهوری اسلامی از جمله اصلاح طلبان هم که در قدرت بوده‌اند لحظه‌ای از کشتار مردم و تحمیل فقر و فلاکت به آن جامعه کوتاهی نکرده و همه آنها دزدیهای میلیاردری را سازمان داده‌اند. این برای مردم روشن است. مردم همه اینها را دیده و تجربه کرده‌اند و به همین دلیل هیچکدام از آنها را نمی‌خواهند.

اینکه فعالین سیاسی، فعالین اجتماعی و مردم معترض چکار باید بکنند یک نکته مهم است باید متوجه بود، که در میان این جناح بندیها و جدال جناحها فرصتی بوجود می‌آید که رژیم را ضعیفتر میکند و مردم باید از این فرصت استفاده کنند و بریزند رورشان و خود را از شر این حکومت آخوندهای دزد و میلیاردر رها کنند. نباید به جدال اینها و یا یکی از این جناحها دخیل بست. هیچکدام از اینها هر چقدر هم علیه طرف مقابل تند حرف بزنند آن امام زاده‌ای نیستند که بتوانند توهمی در میان مردم ایجاد کنند. دوره همه این جناحها به سر آمده است و باید گورشان را گم کنند.

در سال ۸۸ هنگامیکه موسوی و کروبی با خامنه‌ای و احمدی نژاد درگیر شدند

بخشهایی از مردم بودند که میگفتند چون اینها در مقابل جناح حاکم ایستاده‌اند خوب است و باید به فراخوان این یا آن جناح جواب مثبت داد و نظر مثبتی نسبت به آنها داشت. اما به تجربه دیدیم که هر درجه از توهم و یا توکل بستن به یکی از این جناحها باعث میشود که مبارزات مردم به انحراف کشیده شود و به نتیجه نرسد. تجربه تقابل موسوی و کروبی با احمدی نژاد نشان داد که هیچکدام از این جناحها نباید در اعتراضات مردم جایی داشته باشند. همه این جناحهای رژیم را باید مورد تعرض قرار داد. زیرا آنها هر کدام نفوذی پیدا کنند باز هم می‌خواهند این رژیم را با تعدیلاتی نگهدارند. کل این دستگاه شامل همه جناحهای جمهوری اسلامی اختاپوسی هستند که بر این جامعه چنگ انداخته‌اند و جامعه باید دست همه اینها یعنی کلیت جمهوری اسلامی با همه جناح هایش خلاص شود. جمهوری اسلامی یک دستگاه آدمکشی است. سران و دست اندرکاران همه این جناحها دزدان مافیایی هستند که با تحمیل فقر و فلاکت به آن جامعه میتوانند جیبهای خود را پر کنند. جامعه باید با تعرض به کلیت جمهوری اسلامی سرنگونی این رژیم را در تمامیت آن به شعار اصلی خود تبدیل کند.*

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

قهرمان من ، مریم نمازی



مینا احدی

از صفحه ۱

بینم که پشت در مانده و بتدریج وارد سالن میشوند. ما به زحمت وارد می شویم. یک نفر اسامی را چک می کند. مریم نمازی میگوید که بیش از پانصد نفر اسم نوشته اند. اولین شب برنامه است که به مدت هشت روز از سوم تا دهم نوامبر ادامه دارد.

در طبقه نمایشگاه مملو از جمعیت نقاشی و یا کارهای هنری و آثاری را می بینم که اساسا به موضوع مهم آزادی بیان ربط دارند. نهاد "یک قانون برای همه" که به ابتکار و فعالیتهای گسترده و درخشان مریم نمازی به یک سازمان شناخته شده و معتبر تبدیل شده، از سازمان دهندگان این برنامه است. در همه آثار هنری شور و شوق برای دنیایی عاری از خشونت و سرکوب و بستن دهانها و کشتن آرزوها را می بینم. برای من همه این آثار که از سی و شش هنرمند از کشورهای مختلف مثل ایران و افغانستان، کوبا و انگلیس و امریکا و لهستان و ... هستند، جالبند. از همه مهمتر یک نقاشی توجهم را جلب میکند که دختر جوانی از افغانستان آنرا کشیده، سنگسار یک زن. با این دختر جوان حرف میزنم و با هم چند عکس مشترک در کنار اثر هنری او میگیریم.

از بلند گوی سالن اعلام میشود که برنامه سخنرانی و یا نمایش فیلم و همچنین اعلام برندگان شروع میشود. بعد از نمایش فیلم و چند سخنرانی کوتاه

اعلام میشود که حاضرین در این برنامه رای خود را داده و یک نقاشی از کوبا اثر اوسیلیز میلیان آویلا اول جایزه اول را میبرد. جایزه دوم به یک اثر هنری زیبا از یک هنرمند ایرانی بنام فری فرهنگندی داده میشود.

Passion For Freedom
در این سایت گزارشات بیشتری از این برنامه را میتوانید ملاحظه کنید:

<http://www.passionforfreedom.co.uk/>

بعد از چند سخنرانی کوتاه از سوی برندگان و برگزار کنندگان، نوبت سخنرانی مریم نمازی میرسد، مجری میگوید اکنون نوبت سخنرانی قهرمان من مریم نمازی است و مریم نمازی سخنرانی کوتاهی میکند که با تشویق حاضرین روبرو میشود. بعد از این برنامه گفتگو با برندگان و همچنین گفتگو با مریم نمازی انجام میشود بعنوان چهره و میتکر و سازمان دهنده مهم این برنامه.

مریم در انگلیس و در دنیا اکنون یک چهره مهم مقابله با اسلام سیاسی، مبارزه با قوانین شریعه و صدای بلند مدافعین آزادی بیان و آزادی هنر و اندیشه است.

سخنرانیهای مریم نمازی در کشورهای مختلف اکنون یک منبع آموزش جوانانی است که خواهان آگاهی بیشتر در مورد جنبش اسلامی و نحوه مقابله با این جنبش و یا نقد مذهب هستند. مریم نمازی در کنار ریچارد داوکینز و یا سلمان رشدی بارها سخنرانی کرده و در جمع منتقدین سرشناس جهانی مذهب است. مریم ساکن انگلیس است و در این کشور با کمپین "یک قانون برای همه" توانسته توجه جامعه و فعالین علیه مذهب و منتقدین قوانین شریعه و قوانین ضد انسانی اسلامی را بخود جلب کند. مریم صدای اعتراض میلیونها زن به نابرابری جنسیتی، حجاب اسلامی

و نداشتن حق زندگی در کشورهای اسلام زده است، او صدای اومانیستها و انسان گرایانی است که از موضع انسانی و برابری طلبانه، علیه دخالت مذهب و جنبش اسلامی در زندگی زنان و مردم در کشورهای اروپایی هستند. مریم نمازی امروز قهرمان بسیاری از جمله مجری برنامه در گالری دفاع از آزادی بیان در مرکز شهر لندن است.

ترجمه سخنرانی مریم نمازی به زبان فارسی را در اینجا می خوانید به امید اینکه در ایران با سرنگونی حکومت اسلامی، آزادیخواهان و زنان قهرمانی همچون مریم نمازی در ساختن

کشته نمی شود (گو که تهدید آن همیشه هست) اما به "گناه" توهین، بی احترامی، عدم تحمل دیگران و اسلام هراسی محکوم میشود و بدین ترتیب سانسور و خودسانسوری "توجیه" میگردد.

اسلام سیاسی آنجا که حکم میراند مخالفت با دین را ممنوع میکند؛ و اینجا شما را "قانع" میکند که مخالفت با دین ممنوع است.

با اینهمه ترس تنها بخشی از ماجراست. آنچه که به حساب می آید عملی است که ما علیرغم ترس انجام میدهیم.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ وقتی در سودان کار میکردم با یک همکار



برمه ای که اسمش خاطر من نیست یک سازمان حقوق بشری زیرزمینی در مخالفت با رژیم اسلامی حاکم درست کردیم. وقتی اوضاع دشوار شد او گفت که ترس مساله ثانویه است. ایستادن، حتی وقتی آدم میترسد، نشانه شجاعت واقعی است. هرچند اغلب از خود میپرسم واقعا کی از کی میترسد؟

اسلامیست ها حتی از ملاله ۱۵ ساله که حق مدرسه رفتن میخواهد وحشت دارند. این آنها هستند که از حقیقت میترسند و از ما!

"یک قانون برابر برای همه" و "فستیوال هنری شور آزادی" آن نیز علیرغم ترس، حقیقت را میگوید و تغییر می طلبد. اما در عین حال ارج گذاشتن به هنرمندان و منتقدین مذهب و باورهای حاکم را هدف خود قرار داده است.

هیچ اجتماع و جامعه ای یکدست نیست. مخالفت با باورهای رسمی و هنر متعالی حتی در تاریکترین و دورترین نقاط این جهان زنده است. همانطور که شجاعت بیکران است!

بقول سلمان رشدی: "هنر عالی، یا خاضعانه تر فقط بگوییم هنر اصیل، هیچگاه در میانه امن و امان خلق نمی شود بلکه همیشه در کناره و لبه پرتگاه خلق میشود. نوآوری خطرناک است. چرا که فرضیات موجود را به چالش می طلبد، زیر سوال میبرد و به زیر میکشد؛ کد های اخلاقی را میبلزاند، حرمت گاوهای مقدس و نظایر آن را نگه نمی دارد. می تواند شوک آور و کریه، یا اگر بخواهیم واژه محبوب مطبوعات عامیانه را استفاده کنیم، "بحث برانگیز" باشد. و اگر ما به آزادی باور داریم، اگر میخواهیم هوایی که تنفس میکنیم گسترده و قابل تنفس باقی بماند باید از حق موجودیت هنر نه فقط دفاع کنیم که بزرگش بداریم. هنر سرگرمی نیست. در بهترین حالتش یک انقلاب است."

"آی وی وی" یکی از هنرمندان گرامی داشته شده در این فستیوال میگوید: "اگر تحریک نکنیم چیزی تغییر نخواهد کرد. واضح است که تغییر الزامی است."

بعد از این سخنرانی می بینم که نگاهها گرم تر شده و مریم را حلقه ای از محبت و احترام انسانی محاصره میکند. بنظر من باید کارهای مریم نمازی و سخنرانیهای او را که اساسا به زبان انگلیسی است بیش از اینها در ایران معرفی کرد. نسل جوان ایران باید بداند که در دنیا افرادی همچون مریم نمازی عطش و مبارزه آنها برای آزادی بیان را نمایندگی میکنند. مریم صدای جوانان ایران برای یک زندگی بهتر، برای آزادی و برابری و برای آزادی اندیشه و هنر است و باید او را به همه این نسل مبارز و ضد حکومت اسلامی و ضد مذهب معرفی کرد. این وظیفه ما است!

انتخاب بین بد و بدترا

از صفحه ۲

خاورمیانه و کلا انقلاباتی که در منطقه رخ داد و در حال جریان است خط اوپاما و هیات حاکمه آمریکا - و دیگر دولتهای غربی - این بود که این انقلابات را از داخل کنترل کنند. در کنار دیکتاتورهای صریحا نایستادند ولی مثل مورد مصر ارتش را از زیر تیغ بدر بردند تا خودشان کنترل را در دست بگیرند. در لیبی هم ناتو دخالت کرد تا کنترل اوضاع از دستش خارج نشود. در سوریه هم این خط را دنبال میکنند. کلا میشود گفت سیاست آمریکا و غرب کلا عبارتست از همراه شدن در حرکت برای برکناری دیکتاتورهای با هدف جلوگیری از اعمال اراده مردم و تحقق خواستها و مطالبات مردم و حفظ این کشورها - حداکثر در اشکال دیگری - زیر نفوذ طبقه حاکم در این جوامع و سیاستهای دولتهای غربی. این خط اوپاما بوده است و در آینده هم همین سیاست را دنبال خواهند کرد.

موارد کاملاً بر هم منطبق اند. و مردم عملاً چاره دیگری ندارند که به یکی از این دو حزب رای بدهند. تنها آلترناتیو دیگر مردم اینست که در انتخابات شرکت نکنند. این سیستمی است که به آن دموکراسی میگویند. اینجا این را هم اضافه کنم که روشن است همین دموکراسی از نظامهای دیکتاتوری سرکوبگر مثل جمهوری اسلامی و امثالهم قدمها جلوتر است. این را باید تاکید کرد. ولی نه به این دلیل که رای و خواست مردم عملی میشود بلکه به این دلیل که آن سرکوب و زندان و شکنجه مخالفین و زندانیان سیاسی و غیره که در نظامی مثل جمهوری اسلامی در جامعه پدید میآید، در دموکراسی های غربی وجود ندارد. این یک دستاورد مبارزات مردم و بویژه مبارزات کارگری است که تعادل قوا در آن کشورها را به سطحی رسانده که دیگر طبقه حاکم آن موقعیت و قدرت سرکوب را ندارد. ولی تا آنجا که به مساله رای و خواست و اراده مردم مربوط میشود انتخابات در این کشورها تجلی هیچیک از اینها نیست. مردم حتی آنجا که در انتخابات شرکت میکنند بین بد و بدتر انتخاب میکنند، و چون آلترناتیو دیگری ندارند رای میدهند. این واقعیت انتخابات در آمریکا و کلا در همه کشورهای غربی است.

سیمای بهاری:

آخرین سئوال را مطرح میکنم. انتخاب مجدد اوپاما چه تاثیری بر سیاست خارجی آمریکا خواهد داشت؟ مشخصاً در رابطه با منطقه خاورمیانه و جمهوری اسلامی تجدید انتخاب اوپاما چه پیامدهایی میتواند داشته باشد؟

حمید تقوائی:

از آنجا که اوپاما مجدداً انتخاب شد طبیعتاً سیاستهای خارجی آمریکا در ادامه همان خط گذشته خواهد بود. در رابطه با

سمینار

چشم انداز نزدیکی و اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری

بحثی در مورد:

ضرورت، امکان و زمینه های اتحاد احزاب، گروهها و فعالین کمونیسم کارگری در ایران و عراق

سخنران: حمید تقوائی



زمان: شنبه ۱۷ نوامبر، ساعت ۱:۳۰ تا ۶ بعدازظهر

مکان: استکهلم، سالن هوسبی ترف، ایستگاه قطار هوسبی

تلفن تماس: ۰۷۰۷۱۲۰۵۰۲ هوشیار سروش

اعدام ۱۴ نفر، امروز در تهران و کرمان و شیراز

**قتل ستار بهشتی و بلاگ نویس منتقد حکومت
بیان "فعالیت‌های بیست و چهار ساعت اخیر حکومتی که با جنایت و خون زنده است!"**



علیه این ماشین جنایت و رذالت اسلامی کاری بکنیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۷ نوامبر ۲۰۱۲

Mina Ahadi
International Committee
against Execution
International Committee
against Stoning
minnaahadi@gmail.com
Tel: 0049 (0) 1775692413
http://
notonemoreexecution.org
http://
stopstonningnow.com/
wpress/

ستار بهشتی کارگر معترضی بود که در وبلاگش و در فیس بوک علیه رژیم اسلامی افشاگری میکرد و بارها از طرف مزدوران حکومت اسلامی تهدید به مرگ شده بود. او را کشتند و امروز خبر رسیده که حتی به خانواده اش اجازه ندادند خداحافظی از وی و دیدار آخر را نمیدهند. خانواده ستار اجازه ندارند جنازه او را ببینند چرا که حکومت اسلامی ایران او را زیر شکنجه و وحشیانه به قتل رسانده است.

در مقابل این جانیان باید متحذانه به پا خاست و جلوی این ماشین جنایت و خونریزی را گرفت. کمیته بین المللی علیه اعدام از سازمانهای اپوزیسیون از نهادهای علیه اعدام دعوت میکند که در یک اقدام مشترک بین المللی به این جنایات و خونریزی وحشیانه حکومت اسلامی اعتراض کنند. ما باید متحذانه به پا خاسته و

اسلحه را نشان ما دادند، ۹ روز بی خبری از فرزند دلبندهاش و ۹ روز گریه و نگرانی مادر ستار و کابوس خانواده، در نهایت با یک تلفن به واقعیت می انجامد، به آنها میگویند: قبر آماده کنید فرزند شما کشته شده است. این رفتار مشتی جنایتکار حرفه ای حاکم بر ایران است که یک جوان وبلاگ نویس را دستگیر و سپس با جنایت پیشگی و رذالتی که نمونه اش را فقط در این حکومت میتوان سراغ گرفت، او را میکشند و آدرس سردخانه کهریزک را به خانواده میدهند.

خواهر ستار میگوید: جرم برادرم این بود که انسان بود و از انسانیت دفاع میکرد. برادرم در وبلاگش مینوشت که فقر در نهایت به تن فروشی میرسد، برادر من دکترای درد کشیدن و فوق لیسانس زجر کشیدن را داشت و ...

اسامی اعدام شدگان زندان اوین در روز چهارشنبه ۱۷ آبان عبارت است از احمد تجری، شهرام یداللهی، یوسف کریم خانی زرنقی، قادر ملکی، عسگر فرجی نییری، عبدالقادر هادی تاجیک (عبدل)، سیدجلال حسینی، حمید غلامی، قهرمان قاسمی کرم جوان و ابراهیم برآهویی.

حکومت اسلامی ایران برای تکمیل پروژه ایجاد وحشت در جامعه، امروز در عین حال خبر قتل یک وبلاگ نویس منتقد حکومت را که زیر شکنجه او را به قتل رساندند، را اعلام کرد.

قبر آماده کنید، فرزندان را کشته ایم! هفتم آبان ماه ستار بهشتی را در منزل پدری اش دستگیر میکنند. خانواده او میگویند وقتی از آنها پرسیدیم با کدام مجوز او را دستگیر میکنید،

امروز چهارشنبه هفتم نوامبر برابر با هفدهم آبان ماه، حکومت فاشیست اسلامی چهارده نفر را در سه شهر ایران اعدام کرد.

ده نفر در زندان اوین اعدام شدند و سه نفر در ملاعام در شیراز به دار آویخته شدند. همچنین امروز از زندان کرمان خبر رسید که یک نفر نیز در آنجا اعدام شده است. زندان اوین از سه هفته قبل، قتلگاه بیش از سی نفر به اتهام مواد مخدر بوده و بنظر میرسد حکومت جنایت و رذالت اسلامی قصد ادامه دادن به این اعدامها را دارد. هر هفته حداقل ده نفر در این زندان اعدام میشوند. در زندان رجایی شهر حکومت اسلامی ایران ۱۱۱۷ نفر متهم "مواد مخدری" محکوم به اعدام دارد که هر هفته چند نفر از آنها را به اوین منتقل میکنند و به قتل میرساند.

نامه سرگشاده به رئیس پارلمان اروپا مارتین شولتز

زنان را سنگسار میکنند و چنین وحشیانه با مردم ایران رفتار میکنند. ما انتظار داریم که همه کشورهای اتحادیه اروپا سفارتخانه های حکومت اسلامی را ببندند.

مینا احدی - کلن ۷ نوامبر
۲۰۱۲

Mina Ahadi
International Committee
against Execution
International Committee
against Stoning
minnaahadi@gmail.com
Tel: 0049 (0)
1775692413
http://
notonemoreexecuti-
on.org
http://
stopstonningnow.com/
wpress/

اتحادیه اروپا میخواهد که علیه این جنایات اعتراض کنند و خواهان توضیح حکومت اسلامی شوند. ما خواهان اعزام یک هیئت به ایران از سوی شما هستیم. همچنین خواهان باز خواندن سفیر جمهوری اسلامی و درخواست توضیحات رسمی در مورد سنگسار چهار زن در ایران هستیم.

ما خواهان محکوم کردن این موج اعدامها در ایران از طرف اتحادیه اروپا هستیم و نه اینکه اتحادیه اروپا پشت به این واقعیات کرده و آنها را نبیند.

ما خواهان قطع کردن روابط دیپلماتیک با حکومتی هستیم که

در روز چهارشنبه ۷ نوامبر در زندان اوین ده نفر اعدام شدند، در شیراز سه نفر و در کرمان یک نفر اعدام شدند.

حکومت اسلامی ایران یک وبلاگ نویس را در زندان به قتل رساند. ستار بهشتی روز دوشنبه ۲۹ اکتبر دستگیر و نه روز بعد خانواده او این خبر را دریافت میکنند. شما میتوانید قبر بخريد ستار مرد! امروز هفتم نوامبر ستار را دفن کردند در حالیکه خانواده او اجازه آخرین ملاقات با او، اجازه دیدن جنازه فرزندشان را نداشتند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار از همه کشورهای عضو

هفته گذشته خبری مبنی بر سنگسار شدن چهار زن منتشر شد که پیکرهای آنها را به پزشکی قانونی در تهران برده اند. اعلام شده که این زنان معتاد بوده و به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج محکوم به سنگسار شده اند. اینکه آیا افراد خانواده اینها از این قتل دولتی مطلع شده اند یا نه، هنوز روشن نیست. منبع خبر میگوید که در بدنهای این زنان نه فقط آثار پرتاب سنگ مشهود بوده بلکه آثار شکنجه قبل از سنگسار نیز دیده شده است.

در هفته گذشته در ایران بیش از ۲۴ نفر اعدام شدند. تنها

اتحادیه اروپا باید فوراً در مقابل وحشیگریهای حکومت اسلامی ایران اقدامی انجام دهد!

آقای شولتز گرامی!

کمیته بین المللی علیه سنگسار در سطح جهانی علیه سنگسار مبارزه میکنند. یک فعالیت بسیار موفق سازمان ما کمپین جهانی نجات سکینه محمدی آشتیانی بود. بدنبال این کمپین حکومت اسلامی ایران مجبور شد قانون مجازات اسلامی اش را تغییر دهد و همه جا در ایران سخن از ممنوعیت دوفاکتوی سنگسار، این رفتار وحشیانه با انسانها بود.

ماشین کشتار و اعدام را متوقف کنیم

جمهوری توحش اسلامی بار دیگر دستگاه آدم کشی اش را فعالانه به جریان انداخته و هرروز شماری از جوانان را به دار میکشد. تنها در دو روز گذشته بیش از بیست نفر اعدام شده اند. گزارشها گویای اینست که حکومت بیش از سه هزار زندانی را در صف اعدام نگه داشته است و هرگاه که میخواهد به مردم زور بازوی خود را نشان دهد، تعدادی را به جوخه اعدام میسپارد.

نیروی انتظامی دسته دسته مردم را به بهانه های مختلف زندانی میکند و دستگاه کثیف قوه قضائیه آنها را به شلاق و شکنجه و اعدام محکوم میکند. جرمی که به زندانیان نسبت داده میشود عمدتاً اعتیاد و یا توزیع مواد مخدر است. بسیاری از اینها جوانانی هستند که به دلیل فقر و بیکاری، تحقیر و

بیحقوقی، نداشتن شادی و تفریح و سرگرمی، دشواری های کمرشکن زندگی و نداشتن دورنمایی برای زندگی به اعتیاد رو میاورند، بجای مداوا مورد اذیت و آزار نیروهای انتظامی قرار میگیرند و بعنوان مجرم دستگیر و اعدام میشوند. بسیاری حتی معتاد هم نیستند. جوانان معترضی هستند که با ایادی و مزدوران حکومت در افتاده اند و دستگاه آدم کشی حاکم برچسبی به آنها میکوبد و بعد محکوم به اعدامشان میکنند. رژیم هرچه بیشتر در باتلاق بحران و تشنگی و انزوای سیاسی فرو میرود و هر چه بیشتر از خیزش مردم به وحشت می افتد، نیاز به آدمکشی بیشتری پیدا میکند. کشتن زندانیان آنهم با اتهامات واهی و با اعتراف گیری زیر ضرب و شتم و شکنجه،

اساساً نشانه هراس حکومت از مردم به جان آمده است. جلوی این کشتار را میتوان و باید گرفت. میتوان و باید فعالانه جنبشی عظیم و گسترده و جهانی را برای جلوگیری از کشتار عزیزان مردم توسط گرگهای خون آشام حاکم به جریان انداخت. نباید اجازه داد که حاکمین اسلامی سرمایه اینچنین بیرحمانه و خونسردانه هرروز جان عده ای از جوانان را بگیرند. این دستگاه قرون وسطایی و ضد بشری را باید متوقف کرد. اعدام به هر بهانه و دلیل و در هر شرایطی که صورت گیرد، یک سنت وحشیانه و قتل عمد دولتی است و باید از تمام جوامع بشری جارو شود. امروز بر هرکسی روشن است که جمهوری اسلامی میکشد تا جامعه را مرعوب کند و جلو خیزش مردم را بگیرد.

جنایتکاران میدانند که بر امواج خشم مردم نشسته اند. میدانند که هر لحظه مردم فرجه ای پیدا کنند بساطشان را برای همیشه در هم خواهند پیچید. تجمع اعتراضی خانواده های محکوم به اعدام در مقابل بیت رهبری نشان داد که علیرغم همه این وحشیگری ها جامعه مرعوب اعدام ها نشده است. مزدوران حکومت تنها با تهدید به شلیک به سینه مادران و پدرانی که آخرین ملاقات را با فرزندان خود انجام داده بودند، توانستند مردم خشمگین را پراکنده کنند و فرزندانشان را به قتل برسانند. بیش از ۳۰۰۰ نفر در زندان های رژیم به اعدام محکوم شده اند و هر هفته تعدادی از آنها بدست جلادان حکومت به قتل میرسند. باید آنها را نجات داد. باید این سیاست را شکست داد و

فضا را عوض کرد. این امکانپذیر است. مردم ایران و جهان، کلیه نیروهای مخالف حکومت و هر حزب و سازمانی که خود را اپوزیسیون حکومت میدانند باید با تمام قدرت علیه اعدام ها قد علم کند و موجی از اعتراض در ایران و در سراسر جهان به راه بیفتد تا به این بساط پایان داده شود.

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا علیه اعدام ها میایستد و همه مردم شریف و معترض، کلیه سازمانها و نیروهای اپوزیسیون و افکار عمومی جهان را به مقابله با جمهوری اسلامی و سیاست های جنایتکارانه اش فرامیخواند. جمهوری اسلامی را میتوان در این عرصه نیز شکست داد.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۸ آبان ۱۳۹۱، ۸ نوامبر

از خواست و مطالبات زندانیان اعتصابی در زندانهای ترکیه حمایت میکنیم!

بیش از هفتصد نفر از زندانیان سیاسی در کردستان ترکیه در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه دولت ترکیه دست به اعتصاب غذا زده اند. زندانیان سیاسی اعتصابی خواستار استفاده از زبان کردی در نظام آموزشی و دستگاه اداری و قضائی، حقوق مساوی شهروندی و همچنین پایان دادن به زندانی عبدالله اوجلان هستند. دولت ترکیه تاکنون سیاست سکوت را پیشه کرده و در قبال جان زندانیان سیاسی اعتصابی و خواست و مطالبات برحق آنها

عکس العملی نشان نداده است. در چند روز گذشته در حمایت و پشتیبانی از خواست زندانیان اعتصابی در تعدادی از شهرهای کردستان ترکیه هزاران نفر از مردم معترض تظاهرات کردند. مردم ناراضی و صدها زندانی سیاسی در شهرهای کردستان در اعتراض به نظام و دولت سرکوبگر ترکیه و برای رسیدن به خواستهایشان با این اعتراضات توجه میلیونها نفر از شهروندان کشور ترکیه و مردم خارج از ترکیه را به این اعتراضات جلب کرده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از خواست زندانیان سیاسی و مردم کردستان ترکیه مبنی بر استفاده از زبان کردی در نظام آموزشی و دستگاه اداری و قضائی و همچنین آزادی همه زندانیان سیاسی و حقوق شهروندی مساوی برای همه شهروندان حمایت میکنند. سیاستهای سرکوبگرانه دولت ترکیه در قبال مردم کردستان و اعمال تبعیض، ستم و نابرابری علیه شهروندان این کشور را محکوم میکنیم. ما از زندانیان سیاسی که در

اعتصاب غذا هستند میخواهیم برای حفظ سلامتی و زنده ماندن به اعتصاب غذایشان پایان دهند. اعتراضات و تظاهراتهای چند روز اخیر در شهرهای ترکیه میتواند در شکل گسترده تر و وسیعتری تا آزادی کامل تمام

زندانهای سیاسی و رسیدن به دیگر خواستههای برحق مردم ادامه داشته باشد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۶ نوامبر ۲۰۱۲

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس
ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا یا
بایک ژودی (کانادا-آمریکا) : تلفن: ۰۱-۴۱۶ ۷۵۹ ۳۳۶
babakyaand@yahoo.com : ۰۱-۴۱۶ ۷۷۱ ۷۱۸

دری اصلی (غرب کانادا - ونکوور) تلفن: ۰۱-۶۰۴ ۲۷۷ ۸۸۶
zarinal@yahoo.ca : اسیل :
در اروپا یا
انتشارات نسیم: تلفن: ۰۰۴۹ ۷۳ ۳۹ ۱۷۰
nasim_info@yahoo.se : اسیل :
جلد جلی (انگلستان) تلفن: ۰۰۴۴ ۹۵ ۹۲ ۴۴۳
jaliluk@yahoo.com : اسیل :
مهن کوشا (آلمان) تلفن: ۰۰۴۹ ۷۳ ۲۵ ۰۵۴
mahinkusha@t-online.de : اسیل :

کارل مارکس
سرمایه
(کاپیتال)
جمشید هادیان
ترجمه جمشید هادیان

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

زن کارگر با شوهر معتاد

در شماره قبل انترناسیونال دو گزارش از اعتیاد در ایران آمده بود، در این شماره هم دو گزارش دیگر از لیلا مشیری همکار انترناسیونال در ایران داریم که گوشه‌هایی از زندگی فلاکت باری که جمهوری اسلامی به میلیونها نفر تحمیل کرده است را نشان می‌دهد. وقتی به این فاجعه عظیم "زن بودن" هم اضافه می‌شود، نابرابری، تحقیر، توهین و بردگی ابعادی چند برابر پیدا می‌کند. خلاصه‌ای از دو گزارش دیگر لیلا مشیری را در این شماره انترناسیونال می‌خوانید

لیلا مشیری

در یکی از روستاهای اطراف کلان شهر تهران در خانواده‌ای پر جمعیت بدنیا اومدم. پدرم بر روی تکه زمین کوچکی که از پدرش به ارث برده بود کشاورزی می‌کرد.

بعلت کوچک بودن زمین، برداشت بسیار جزئی داشتیم که مقداری از اونو خودمون مصرف می‌کردیم و مابقی محصول که چیزی هم نمی‌شد پدرم می‌فروخت و از این بابت پول بسیار کمی بدست می‌آوردیم که به هیچوجه کفاف امور زندگیمون رو نمی‌داد.

پدرم بخاطر تهیه مخارج خانواده، بر روی زمینهای کشاورزی دیگران که زمین بزرگتری داشتند کار می‌کرد. او مجبور بود همیشه زیاد کار کنه، ولی موقع داشت و برداشت دیگر ۲۴ ساعته مشغول کار بود. نوبت سهمیه آب زمین ما، بیشتر وقت ها نصف شبها بود. موقعیکه نوبت ما می‌رسید پدرم مجبور بود از آخر شب تا صبح در زمین بومنه تا از آب بتونه استفاده کنه. در تمام مدت داشت و برداشت او را بندرت می‌دیدیم و موقعی هم در خونه بود از فرط

شده بود که مادرم همه بساط ظرف و آشپزی و خلاصه همه کاراش را در اونجا پهن کرده بود. از موقعی که بچه بودم، درتابستانها و دیگر ایام تعطیلات، با پدرم صبح زود می‌رفتیم سر زمین و تا شب کار می‌کردیم. مقداری نون و پنیر و سبزی هم مادرم در یک دستمال می‌پیچید و پدرم هم دستمال غذا را به سر چوبی می‌بست و بعد چوب را روی کولش می‌گرفت و می‌زدیم به راه، تا سر زمین چند کیلومتری فاصله بود و شبها هم خسته و کوفته پیاده برمی‌گشتیم.

تا وقتی بچه بودم باید توی قالی بافی یا توی تمیز کردن مرغ و جوجه‌ها به مادرم کمک می‌کردم، کم کم ۱۴ ساله شده بودم، بابام دوستی داشت که محصولات کشاورزی منطقه را به تهران می‌برد، از من برای پسرش خواستگاری کرد. من هم هنوز یک بچه بودم و چیزی از ازدواج نمی‌فهمیدم، فقط خیلی خوشحال شدم که می‌خوام به شهر بزرگی مثل

خستگی فقط می‌خوابید. وقت برای استراحت کردن اصلا نداشت. همه آرزوش در این دنیا این بود که یک روزی بتونه درست و حسابی بخوابه. مرتب می‌گفت همیشه روزی بیاد که من هم بتونم خواب حسابی کنم، بعد هم زیر لب زمزمه‌ای می‌کرد و می‌گفت، نه، فکر نمی‌کنم، شاید موقعی که مردم.

مادرم هم هزار کار داشت، از نون پختن بگیر تا قالی بافتن در کارگاههای قالی بافی، بچه داری و جمع و جور کردن زندگی. جایی هم که زندگی می‌کردیم که خونه نبود، هیچی نداشت، یک حیاط گلی، یک اتاق با سقف چوبی با دیوارهای خراب که هم مهمانخانه بود و هم ما بچه‌ها شپها در اونجا می‌خوابیدیم، کمی اونطرفتر هم یک اتاق مخروبه کوچک دیگه که بین اونها هم راهرو کوچکی که اتاقها را از هم جدا می‌کرد، واقع

نمی‌شد. هر چی کار می‌کرد به جایی نمی‌رسید. هر روز یه خرج اضافی در میومد، یه روز مریضی بچه‌ها، یه روز بالا رفتن اجاره خونه و خلاصه زندگی سختتر و سختتر می‌شد و سر و ته زندگی بهم نمیومد. بخاطر همین وقتی هم خودش نمی‌تونست کار بگیره، همکاراش می‌بردنش پیش خودشون تا بیکار نمونه و کمک خرجی برای زندگی اش بشه، با این وجود بازهم زندگی سخت می‌گذشت، بعدها برام تعریف کرد که با یکی از همون کسانی که پیشش کار می‌کرد، برای رفع خستگی با هم تریاک می‌کشیدند. همین باعث شد که هرروز بیشتر و بیشتر به سمت مواد کشیده شود. کم کم رونق ساختمانها کمتر شده بود، مخصوصا کار تزئینات و نقاشی. رضا هم که بخاطراعتیادش یک درمیون می‌رفت سر کار، همین باعث شد تا

اعتیاد و تن فروشی

لیلا مشیری

۱۵ سالم بود که با مردی که نقاش ساختمان بود ازدواج کردم. یک اتاق توی یکی از کوچه پس کوچه های پائین شهر اجاره کرده بودیم. صبحها که شوهرم می‌رفت سر کار براش صبحونه را آماده می‌کردم، با هم صبحونه می‌خوردیم، اون می‌رفت سر کار، منم اتاق کوچکمون را مرتب می‌کردم، مشغول می‌شدم به تهیه شام. سعی می‌کردم غذاهایی رو که اون دوست داره براش درست کنم توی حیاط یک آشپزخانه مشترک بود که همه زنها همسایه توی اون غذا درست می‌کردند، با همشون دوست شده بودم و سعی می‌کردم از هر کدوم چیزی یاد بگیرم. بهار و تابستون فصل کار بود،

زمستون که می‌شد بیکاری هم میومد، چون کار ساختمان کمتر بود. توی بهار و تابستون رضا مجبور بود از صبح تا بعد از ظهرکار نقاشی کنه، بعد از اون هم می‌رفت برای نصب پرده و موکت و تزئینات ساختمان پیش یکی از دوستهایش کار کنه. تو اون روزها منم خیلی خسته می‌شدم، هم حوصله ام سر می‌رفت، همین اینکه دلم برای رضا بیچاره می‌سوخت که چطور از کله سحر تا نیمه شب باید کار کنه. وقتی بهش می‌گفتم کمتر کار بگیر، می‌گفت زندگی ما کارگرای ساختمون مثل مورچه هاست، باید بهار و تابستون غذا جمع کنیم برای زمستون.

زمستون که میومد، بیکاری شروع می‌شد، بعد باید از پس انداز

تهران برم. بالاخره اونها اومدن خونه ما و کارهای ازدواج خیلی سریع انجام شد. من به تهران اومدم و توی خونه ای که پدر شوهرم اتاق اجاره کرده بود، ما هم یک اتاق اجاره کردیم. شوهرم هم به پدرش برای بار آوردن از این روستا و اون روستا کمک می‌کرد.

خیلی زود بچه دار شدم، یک دختر خوشگل و ناز به دنیا آوردم، شوهرم خیلی دوستش داشت، هیچوقت اسمشو صدا نمی‌کرد. همیشه صداش می‌کرد، "دختر بابا" احساس خوشبختی می‌کردم که شوهرم این قدر خوب و مهربون هست و منو و دخترم رو اینقدر دوست داره.

حالا دیگه وقت مدرسه رفتن دخترم شده بود، با هزار بدبختی مدرسه ثبت نامش کردم. چون تو این محلی که ما زندگی می‌کنیم، تعداد بچه‌ها زیاد و مدرسه هم خیلی کم. یادمه، روز اول مهر، شوهرم کارش رو تعطیل کرد که

ادامه صفحه ۱۴

رضا بیشتر و بیشتر بیکار بمونه. دوباره توی آرایشگاه مشغول کار شدم ولی درآمدی که من از آرایشگاه داشتم، که نمی‌شد باهاش زندگی کرد، بچه‌ها رو باید می‌گذاشتم پیش همسایه‌ها، خرج رضا هم روی دستم افتاده بود. هر چی تلاش می‌کردم، کمتر موفق می‌شدم سر و ته زندگی رو بهم بیارم.

یه مشتری داشتیم که مرتب به آرایشگاه ما میومد، وقتی زندگی ام رو براش تعریف کردم، گفت که یک آشنا داره که همه بچه‌هاش به آمریکا رفتن، زنش هم در قید حیات نیست و احتیاج داره که یک نفر کارهای خونشوانجام بده، قبول کردم روزهای تعطیل و بعضی روزها بعد از کارم برم اونجا، یک مرد حدود ۶۰ ساله بود که مرد محترمی به نظر می‌رسید و تنها

ادامه صفحه ۱۵

بیش از ۱۰۰۰ نفر در تظاهرات ضد راسیستی در فرانکفورت شرکت کردند

تظاهرات بعدی روز شنبه ۱۰ نوامبر



آغاز تظاهرات ساعت ۲

بعد از ظهر از محل
Hessischer Rundfunk
Bertram Str. 8

و سپس تجمع و تظاهرات در
مقابل کنسولگری جمهوری

اسلامی واقع در
Raimundstraße 90
60320 Frankfurt am Main

برای اطلاعات بیشتر با این
شماره تماس بگیرید
۰۱۵۷۷۴۶۵۰۱۸۶

همبستگی - فدراسیون سراسری
پناهندگان ایرانی - واحد آلمان

۹ نوامبر ۲۰۱۲

کردن سیاست های راسیستی و نژاد پرستانه پلیس در برخورد به پناهجویان، خواهان گسترش مبارزات پناهجویان و احزاب و نیروهای مدافع پناهندگی و ضد راسیست لیه سیاست های ضد پناهندگی دولت آلمان گردید. در حین سخنرانی شهنواز مرتب شعار زنده باد همبستگی جهانی در میان کف زدن و شور و هیاهوی شرکت کنندگان طنین انداخت. تظاهرات

بعد از ۲ ساعت پایان یافت اما تعداد زیادی از جمعیت شرکت کننده به نشانه همبستگی با اعتراضات و تحصن پناهجویان، به پناهجویان متحصن در چادر پیوستند.

لازم به یادآوری است که تحصن پناهجویان ایرانی از روز شنبه ۲۰ اکتبر اعتراض به سیاستهای ضدپناهندگی دولت آلمان شروع شده و با حمایتهای گسترده احزاب و سازمانهای آلمانی و مردم شریف و آزادیخواه



تظاهرات در مناطق مرکزی شهر، علیه راسیسم و نژاد پرستی و علیه سیاست های ضد پناهندگی دولت آلمان شعار داده و برخورد پلیس به پناهجویان را محکوم کردند. تظاهرات کنندگان در ادامه حرکت خود، در حمایت از تحصن پناهجویان و دفاع از مبارزاتشان، جلوی محل برپایی چادر متحصنین تجمع کردند و به سخنرانی شهنواز مرتب دبیر واحد آلمان فدراسیون گوش دادند. شهنواز مرتب ضمن محکوم

روز جمعه ۸ نوامبر به فراخوان واحد آلمان فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، احزاب و گروههای آلمانی ضد راسیست و مدافع حق پناهندگی، تظاهرات بزرگی در فرانکفورت برگزار شد.

تظاهرات در اعتراض به ضرب و شتم یک پناهجو توسط پلیس و برخوردهای راسیستی و نژادپرستانه پلیس فرانکفورت فراخوان داده شده بود. تظاهرات ساعت هشت شب شروع شد. تظاهرکنندگان در طول مسیر

و حاجی بازاری های هیچی ندار
نرم.

اتاقی که من اجاره کردم و با فرزند بی گنام زندگی می کنم، یک دخمه در یک زیرزمین تاریک و نمور با یک گلیم پاره پاره است که برای اون باید ماهی ۸۰ هزار تومان کرایه بدم و با ۷۰ هزار تومان شکم خود و دخترم رو سیر کنم و اگر کمک آدمهای انساندوست نباشه، خیلی از شبها کودکم باید گرسنه سر به بالین بگذاره. من جوان هستم و مثل خیلی از زنان جوان دیگه هزار امید و آرزو داشتم که بخاطر بی عدالتی های جامعه بر باد رفت. الان دیگه هیچ آرزویی برای شخص خودم ندارم، تنها آرزوم اینه که دخترم سرنوشت منو پیدا نکنه.*

رجوع کردم و شرح حال زندگیمو به اونها دادم و اونها جواب دادن چون من کار می کنم، هیچ کمکی به من تعلق نمی گیره ولی با رفتارهای چندش آور و شرم آور اونها متوجه شدم که غیر از شرح حال، دنبال چیزهای دیگه ای هم هستن که در مقابل کمک ماهی ۳۰ هزارتومان از من می خواستن. بخاطر کور شدن فرزندم، از شوهرم شکایت کردم ولی جوابی که شنیدم این بود، چون پدرشه، فقط باید دیه بده که شوهرم بخاطر اعتیادش خرج خودش رو هم نداشت. هیچ دادرسی وجود نداره که من و فرزندم بی گناهم را حمایت کنه. من حاضر با شرافت کار کنم و حقوق واقعی خودم را بگیرم ولی زیر بار این کمیته چیها

دخترم رو کتک می زد.

روزی همسر شروع به کتک زدن من کرد و دختر ۹ ساله ام برای پا درمیانی و محافظت از من جلو اومد، چوب تو سر اون خورد و چشم راستش بر اثر ضربه سر کور شد. برای تامین معاش خود و دخترم، به کارگاههای سبزی خشک کنی میرم با چندرغازی روزی ۱۰-۱۲ ساعت کار می کنم برای یک حاجی بازاری که سبزی های خشک شده را بسته بندی می کنه و میلیارد میلیارد به جیب می زنه و من برای یک ماه کارم ۱۵۰ هزار تومان دریافت می کنم که باید خرج خودم و بچم و کرایه اتاق را هم بپردازم.

با این حقوق ناچیز گذران زندگی غیر ممکنه. به کمیته

زن کارگر با شوهر معتاد

از صفحه ۱۲

کار می کرد، بعضی وقتها هفته ها میشد که دخترم پدرش رو نمی دید. شوهرم همیشه خسته بود، بداخلاق شده بود. یا روی ماشین اینو و اون رانندگی می کرد یا توی خونه از خستگی افتاده بود. همیشه دلهره داشت که اگر تصادف کرد، چی می شه. بالاخره از فرط خستگی و فشار کار و هزار گرفتاری و بدبختی و نگرانیهای دیگه کشیده شد به سمت مصرف مواد مخدر. یواش یواش تبدیل به یک آدم دیگه شده بود، خسته، بداخلاق، حتی دیگه دست بزن هم پیدا کرده بود، با کوچکترین مسئله عصبانی می شد و منو و

به قول خودش، دختر بابا رو برای مدرسه رفتن همراهی کنه. چیزی از اول مهرنگذشته بود که پدر شوهرم تصادف کرد و خودش هم توی ماشین از بین رفت، حالا دیگه مصیبت از دست دادن پدر شوهرم از یک طرف و خرج دوتا خانواده هم روی دست شوهرم افتاده بود. خرج خودمون و مادر شوهرم و دو تا از خواهرهای شوهرم

شوهرم مجبور شد روی ماشین های بین شهری، برای دیگران رانندگی کنه. شبانه روز

حمایت عوفی ماضی رئیس کمیته خدمات عمومی در عراق از فراخوان شاهرخ زمانی



ساختمان، چوب و نقاش عرب
۱۰- فدراسیون بین المللی
کارگران ساختمان (هلسنیکی و
فرانسه)

۱۱- فدراسیون اتحادیه های
عمومی خدمات در خاورمیانه

زنده باد جنبش بین المللی
اتحادیه های کارگری!
نه به سرکوب فعالیت کارگری!
آزادی برای شاهرخ زمانی و
رفقایش!

عوفی ماضی
رئیس کمیته خدمات عمومی در
عراق
بغداد، ۵ نوامبر ۲۰۱۲

کردند و به جرم خرید و مصرف
مواد مخدر به زندان افتادم.
بیشتر از اینکه نگران زندانی
شدن خودم باشم، نگران رضا و
بچه ها بودم که با زندانی شدن
من چه بر سر آنها خواهد آمد.
در زندان بودم که شنیدم، برادر
شوهرم پسر را پیش خودش برده
و خاله رضا دخترم را گرفته. الان
هم که از زندان برگشتم من موندم
و بدبختی هایی که هنوز راه حلی
برای آن ندارم، نه کاری نه خانه ای
که بتونم بچه هام رو پیش خودم
بیارم.*

جمهوری اسلامی علیه خود
توضیح داده، از این سازمانها
می خواهم که با اعمال فشار و
کاربرد نقش اسنادوستانه خود از
دولت ایران بخواهند که ایشان را
آزاد کند، و حملات و عملکرد
این حکومت علیه فعالین
کارگری را افشا کنند.

مشخصا، از سازمان های
زیر می خواهم که خواهان آزادی
آقای زمانی شوند:

۱. فدراسیون بین المللی اتحادیه
های کارگری
۲. فدراسیون بین المللی اتحادیه
های کارگری عرب، آقای رجب
معتوق
۳. سازمان جهانی کار
۴. سازمان حقوق بشر اتحادیه
اروپا
۵. فدراسیون اتحادیه های
کارگری ایران
۶. عفو بین الملل
۷. عفو بین الملل، بخش ایران
۸. مرکز و سازمان همبستگی
کارگری (اروپا و خاورمیانه)
۹. فدراسیون بین المللی کارگران

آرایشگاه هم دیگه بیرونم کرده
بودن. جهنم واقعی را توی همین
دنیا تجربه کردم، یا باید تن به
کاری میدادم که فکرش به تنم
آتش می زد، یا باید شاهد پرپر
شدن دختر نازنینم از بی دارویی و
بی امکاناتی باشم. تصمیم گرفتم
برای اینکه با خودم کنار بیام، یک
کمی هروئین مصرف کنم تا بتونم
خودم رو به این باتلاق بسپارم و
هروئین شد راهی برای تن دادن به
این باتلاق تا اینکه یه روز که
رفته بودم هروئین برای خودم و
رضا تهیه کنم، مرا دستگیر

بر ایران که طبق قوانین قرون
وسطی زندگی و حاکمیت می
کنند موافق نبود به ۱۱ سال
زندان محکوم شد.

کارگران و برابری طلبان
سراسر جهان! ما باید از این
زندانی آزاد اندیش که بدلیل دفاع
از آزادی شکل برای همه کارگران
در ایران مورد آزار قرار گرفته
حمایت کنیم.

آزادخواهان سراسر جهان،
رهبران و فعالین جنبش کارگری،
فعالین اجتماعی! از شما می
خواهم از این کارگر حمایت کنید
و به جمهوری اسلامی فشار
بیاورید. از شما می خواهم،
همانطور که آقای زمانی در نامه
اش خواسته، تلاش کنید که
ایشان از زندان آزاد شود. از همه
سازمانهای کارگری، از هر رشته
و صنعتی، می خواهم که یک
کمیون همبستگی بین المللی در
برابر حاکمان ایران بر پا کنند.
همچنین، همانطور که آقای
زمانی در نامه اش درباره
مبارزاتش و اتهامات واهی

دکترگفت من فقط از دستمزد
خودم می تونم تخفیف بدم، هزینه
بیمارستان به من ربطی نداره،
تنها راه برام همون پیرمردی بود
که می رفتم خونش کار می کردم،
رفتم پیشش تا ازش پول قرض
کنم، ولی اون پرسید در ازاش می
خوای برام چه کار کنی؟ گفتم هر
کاری که بخوای و همون موقع بود
که مجبور شدم به این کار لعنتی
تن بدم.

بالاخره با هر بدبختی بود، دخترم
رو عمل کردم. هزینه های دارو
بعد از عمل هم سنگین بود، از

missionfreeiran@gmail.com;
http://missionfreeiran.org

۸ نوامبر ۲۰۱۲

پیام حمایت از رهبر کارگری شاهرخ زمانی

رهبر کارگری، شاهرخ زمانی را
فورا آزاد کنید!

به همه آزادیخواهان!
به همه اتحادیه های کارگری در
سراسر جهان!

این نامه را بعنوان يك فعال
کارگری که در دوره دیکتاتوری در
عراق مورد ستم و بی عدالتی
واقع شده برای شما می نویسم. از
تمام کسانی که این پیام مرا می
خوانند تقاضای حمایت از فعال
کارگری شاهرخ زمانی دارم. آقای
زمانی در زندان های حاکمان
ایران بازداشت است و تحت انواع
 شکنجه های جسمی و روحی قرار
گرفته. ایشان صرفا به این علت
که يك فعال کارگری آزاد بود که
با تفکر روحانیون مذهبی حاکم

اطلاعیه شماره ۴

عوفی ماضی رئیس کمیته
خدمات عمومی در عراق طی
نامه ای در ۵ نوامبر خطاب به
همه سازمانهای کارگری و
انساندوست در سراسر جهان
خواستار پیوستن وسیع به کمپین
در حمایت از شاهرخ زمانی و
برای آزادی همه کارگران زندانی و
زندانیان سیاسی در ایران شد.
متن عربی، فارسی و انگلیسی
این نامه ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران
زندانی، شهلا دانشفر
Shahla_daneshfar@
yahoo.com

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
freeshahrookh@gmail.com

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی-سرور کاردار
freepoliticalprisoners@
googlemail.com

Mission Free
Iran, Ahmad Fatemi

اعتیاد و تن فروشی

از صفحه ۱۳

دکتر گفتن دخترم باید خیلی
سریع عمل بشه، چون یه غده توی
سرش هست که باید درش بیارن و
الا خطر مرگ تهدیدش می کنه.
به هر دری زدم، به در بسته
خوردم، توی برزخی گیر کرده بودم
که نه راه پس داشتم نه راه پیش.
گفتند برو بهزیستی تا شاید
کمکت کنند، ولی اونجا هم
جواب نه شنیدم. به دکترهای
بیمارستان هم التماس کردم.

توی يك خونه مثل قصر، بالای
شهر تهران زندگی می کرد.
بعد از يك مدت سعی می کرد به
من نزدیک بشه، کم کم فهمیدم که
چیزی غیر از کار خونه هم از من
طلب می کنه، سعی کردم کمتر
برم اونجا تا اینکه یکی از دو
قلوها مریض شد، دیگه آرایشگاه
هم نتونستم برم، نه پولی داشتم
نه کسی که ازش پول قرض کنم.

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

آگهی تلویزیون کانال جدید تغییر فرکانس کانال جدید از ۲۶ آبان (۱۶ نوامبر)

فرکانس تلویزیون کانال جدید از روز ۲۶ آبان ماه (۱۶ نوامبر)
از فرکانس کنونی ۱۱۲۰۰ به فرکانس ۱۱۶۴۲ منتقل میشود.

کانال جدید در حال حاضر و تا روز ۲۵ آبان بر روی دو فرکانس ۱۱۲۰۰ و ۱۱۶۴۲ پخش میشود.
فرکانس جدید کانال جدید را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات کانال جدید در شبکه کرد کانال به قرار زیر است:

مشخصات ماهواره هات برد: فرکانس ۱۱۶۴۲ - اف ای سی ۵/۶ افقی سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ شبکه kurd channel

ساعات پخش: نه و نیم تا یازده و نیم شب به وقت ایران معادل ۷ تا ۹ شب به وقت اروپای مرکزی

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

تلویزیون کانال جدید همچنین از طریق اینترنت قابل مشاهده است.

www.newchannel.tv

www.rowzane.com

روابط عمومی تلویزیون کانال جدید

۲۶ آبان ۱۳۹۱، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۲

سوسیالیسم راه نجات ما است!

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد
سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!
سایت حزب:
www.wpiran.org

تلفن تماس با حزب کمونیست
کارگری
ایران ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
کانال جدید را به دیگران معرفی
کنید.

تا سرمایه داری را حفظ کنند و
ثروت خود را افزایش دهند.
گولشان را نخوریم، اراجیف
شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری
و دولت سرمایه داران سر کار است،
سهم ما از زندگی همین است.
راهی جز سوسیالیسم برای پایان
دادن به سرمایه داری و فقر و
نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق
و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری
و حکومت دزدان اسلامی یا
سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

کرده اند و هر وقت اعتراض کرده
ایم آنها را به جان ما انداخته اند.
دادگاه و زندان ساخته اند و ما را
به جرم اعتصاب و اعتراض، به
زندان و شلاق و جریمه های سنگین
محکوم کرده اند. گله آخوند تربیت
کرده اند که خرافه رواج بدهند تا
ما به همین زندگی جهنمی رضایت
بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ
میگویند و وعده های توخالی
میدهند. سعی میکنند مردم را از
کمونیسم و کمونیست ها بترسانند

بیش از سی سال است از زندگی
ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور
میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر
و زحمتکش سفره هایشان تماما
خالی شده است. سالها استثمارمان
کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما
را به خیابان رها کرده اند. ثروت
های مملکت را قشر کوچکی بالا
کشیده اند و ما را از هست و
نیست ساقط کرده اند.
سپاه و بسیج و اطلاعات و
نیروی انتظامی و مسلح درست

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری
سر دبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی
ای میل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!